



# خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال پنجم، شماره چهل و چهارم، فروردین ۹۷

- \* پیام رئیس پژوهشگاه به مناسبت سال نو
- \* دکتر قبادی: با افزایش تنش‌ها در جهان، بیش از هر زمان دیگری به نوروز نیاز داریم
- \* گزارش تصویری از دیدار نوروزی همکاران
- \* برگزاری همایش بین‌المللی «فلسفه، دین و علم در زیست جهان اسلامی»

## نشست‌های علمی و سخنرانی‌ها

- \* ارزیابی سیاست‌های دولت پیرامون فقر
- \* صورت‌بندی مفاهیم در تاریخ، سلسله نشست‌های مفهوم در تاریخ
- \* تحولات نشانه‌شناختی در دیالوگ میان دین و سینما
- \* بازخوانی تصویر شهر در سینمای ایران
- \* فقه پویا؛ روایت حداقلی و حداکثری
- \* فرشتگان مانوی
- \* آرایه‌مدل توانمندشدن سیاسی زنان نخبه پس از انقلاب اسلامی ایران
- \* بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه‌های ایرانیان در اوایل دوره قاجار
- \* سالمندی موفق: مروری بر راهکارهای سلامتی روانی و شناختی سالمندان
- \* تحولات معارف «آموزش و پرورش» در سال‌های جنگ جهانی اول
- \* خوانش مؤلفه‌های تمدن‌ساز در مبانی نظری و عملی امام علی (ع)
- \* نقد رویکرد سنتز نئوکلاسیک-کینزی در متون درسی اقتصاد کلان
- \* تأثیر گواهی بازرسی کالا در پیشگیری از تقلب در اعتبارات اسنادی

## نقد و بررسی کتاب

- \* فرهنگ ادبیات معاصر ایران
- \* تاریخ اشکانیان به روایت سگه‌ها
- \* تاریخ پولی ایران: از صفویه تا قاجاریه
- \* صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد

## باسمه تعالی

يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
يَا مَحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ  
حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالَ  
سال نو مبارک

روزگارم، روز و شب، سرمست تو  
مستمان کن در بهار مست تو!  
گردش اندیشه بیدار ما

گردش دیدار و دل در دست تو  
حال و احوال همه تحویل تو!  
ای ز تو نور دل و دیدار ما

فرا رسیدن سال جدید را به همه همکاران گرامی تبریک عرض می‌کنم و از آنجا که مقدمه حلول سال ۱۳۹۷ با میلاد «کوثر هستی»، حضرت فاطمه زهرا علیها سلام همراه بود، این پشتوانه برکت آفرین را به فال نیک می‌گیرم و از درگاه خداوند کریم مسألت دارم سالی سرشار از سلامت، خیر و سعادت برای همگان در پیش باشد.

خداوند بزرگ را شاکرم که سالی دیگر گذشت و توانستیم با همکاری و همدلی شما عزیزان، در راه خدمت به اعتلای علوم انسانی گام‌هایی برداریم و به شکرانه این نعمت، خود را بیش از پیش مدیون و متعهد خدمت به پژوهشگاه احساس کنیم و باز هم با تکیه بر همان عهد پیشین، همراه و هم‌پیمان با یکدیگر لحظه‌ای را برای اعتلاء علوم انسانی و ارتقاء جایگاه ملی و فراملی پژوهشگاه فروگذاری نکنیم. به نظر می‌رسد، بیش و پیش از تکیه بر هر آماری در این زمینه باید به این مهم ببالیم که پژوهشگاه اکنون صرفاً یک مؤسسه در کنار ده‌ها مرکز پژوهشی در کشور نیست، بلکه همراهی و همکاری بیش از ۴۰ دانشگاه و ده‌ها سازمان و مؤسسه دیگر در برگزاری نخستین جشنواره «قدردانی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های برتر در حوزه علوم انسانی» و انتشار تنها مجله علمی - پژوهشی کشور درباره اقتصاد مقاومتی و نخستین کتاب فراتحلیل در این زمینه به وسیله پژوهشگاه، روانسازی فرآیند تصویب طرح‌های پژوهشی، ارتقاء اخلاق و ارتقاء سازمانی، تعمیق همدلی دوشادوش جاری شدن گفتمان اصالت کار و منافع سازمانی، جذب نخبگان دغدغه‌مند با پشتوانه رویکردهای علمی - اجتماعی و تجلی عملی همکاری و همدلی بیش از دو هزار تن از استادان سراسر کشور در برگزاری جشنواره «نقد متون دانشگاهی»، جهش همه‌جانبه به سمت تراز بین‌المللی و کسب بیش از چهار میلیارد تومان اعتبار برای پژوهشگاه در این زمینه، ارتقاء سطح روابط علمی با برخی دانشگاه‌ها، همه و همه نشانگر آن است که پژوهشگاه نه امروز سازمانی صامت است که توان خود را مصروف مواجهه با چالش‌ها و نیازهای اجتماعی نساخته باشد بلکه به مرجعی تبدیل شده است که برخوردار از توان بسیج ظرفیت‌های علوم انسانی کشور برای شناخت دقیق نیازها و مسائل جامعه، در مرحله مبارکی جای گرفته است که دگردیسی و ارتقاء هدفمند کارکرد را دنبال خواهد داشت.

سالی که گذشت سالی سرشار از موفقیت برای پژوهشگاه بود که نشانه‌های این موفقیت‌ها را می‌توان از جمله در: ارتقای سطح سرانه تولید علم به ۱/۸ و ترویجی‌سازی دستاوردهای علمی پژوهشگاه به بیش از شش برابر رشد (۶۰۰٪)، برگزاری جشنواره «شورای بررسی متون» و جشنواره «قدردانی از پایان‌نامه‌های برتر علوم انسانی در زمینه تولید و اشتغال» ملاحظه نمود. تجربه ارزشمند سومین سال اجرای برنامه راهبردی توسعه پژوهشگاه، ورود به مرحله اجرایی «کلان طرح اعتلا و ساماندهی علوم انسانی کشور» با بهره‌گیری از راهبردها و سیاست‌های برنامه توسعه پنج ساله پژوهشگاه و توانایی‌ها و ظرفیت‌های انباشته بیش از دو دهه فعالیت شبکه نخبگانی «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» و مشارکت در حل مسائل دستگاه‌های اجرایی و پاسخگویی به نیازهای پژوهشی کشور، همچون طرح پژوهشی «تدوین سند راهبردی توسعه اجتماعی - فرهنگی منطقه مکران با رویکرد توانمندسازی اجتماع محور» و دیگر طرح‌های کاربردی و پیشبرد سایر اهداف و مصالح سازمانی در زمینه اعاده املاک و مستغلات تحت تصرف دیگران از جمله همین موارد است.



امیدوارم به فضل الهی و با همت و پیگیری همه اعضای محترم پژوهشگاه، اعم از استادان، کارشناسان و دیگر همکاران متعهد، این موفقیت‌ها در سال آینده همچنان تداوم یابد.

سال ۱۳۹۷ چهارمین سال اجرای برنامه راهبردی است. براساس داده‌های گزارش مدیریت ارزیابی و نظارت پژوهشگاه و نیازهای برنامه عملیاتی که اخیراً تهیه شده است، انتظار این است که همکاران ارجمند، سال ۱۳۹۷ را با بهره‌وری افزون‌تر، نظم سازمانی بیشتر و انسجام افزون‌تر به سالی پربرتر تبدیل کرده و در پاسخ به نیازهای کشور همراهی بیشتری از خود نشان دهند.

پژوهشگاه ما، بزرگ‌ترین پژوهشگاه علوم انسانی کشور است و همکاران ارجمند شایسته است نسبت به نیازها، چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی حساسیت و پاسخگویی بیشتری داشته باشند. باید اذعان کرد که همکاری‌های ارزشمند همکاران عزیز در اجرای طرح‌های کلان ارزشمند فعلی قابل ستایش است، اما نیازهای پژوهشی کشور بالاتر از تراز کنونی است!

ما اکنون در این چالش‌های عمده کشور باید قدم پیش بگذاریم:

۱. بالا بردن سطح توفیقات برنامه توسعه پنج ساله

۲. مشارکت در اجرای برنامه توسعه ششم کشور

۳. مشارکت در ارائه راهکارهای جدید نسبت به نیازها، چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی

۵. مشارکت در ارتقای ارزش‌های فرهنگی کشور

در پایان، از صمیم قلب برای همگان، به ویژه شما همکاران گرانقدر پژوهشگاه و خانواده‌هایتان سالی سرشار از شادکامی و موفقیت آرزو دارم.

توفیق از خدا و توکل بر اوست



## دکتر قبادی: با افزایش تنش‌ها در جهان، بیش از هر زمان دیگری به نوروز نیاز داریم



سومین نشست سالانه نوروز با عنوان میراث صلح، تنوع فرهنگی و فرهنگ مدارا با تشریح تاریخچه نوروز از گذشته تاکنون روز یکشنبه ۲۰ اسفند ۹۶ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: «نوروز نزد ایرانیان به عنوان یک سرمایه ملی که نماد صلح و دوستی، همدلی، عشق و محبت محسوب می‌شود لذا در برخی جوامع امروز جهانی به دلیل بسیاری از بی‌توانی‌ها، تنش‌های گوناگون و خشونت رایج است در چنین زمانی بیش از هر زمانی به نوروز نیاز داریم. وی ادامه داد: نوروز ما را به هم‌فکری، همدلی، هم‌اندیشی دعوت می‌کند و فایده دیگر آن این است که راه و روش چگونه دوست داشتن را به ما می‌آموزد».

قبادی با بیان اینکه نوروز برای ایرانیان آینده‌ای درخشان را نوید می‌دهد، ادامه داد: «ما امانتدار چندین هزار سال تمدنی هستیم که نوروز نمادی از آن به شمار می‌رود. ما بر این باوریم ملتی که تمدن ندارد، مردم آن جامعه بدون اعتماد به یکدیگر زندگی می‌کنند». قبادی همچنین نوروز را نماد یک شکوه عنوان کرد و گفت: «اگر بتوانیم مانند گذشته شادی‌ها، شور و نشاط را تقسیم کنیم به طور یقین می‌توانیم آینده‌ای درخشان را رقم بزنیم. نوروز تقسیم عاطفه‌هاست، ملتی که عاطفه دارد می‌تواند بشردوست باشد، به انسانیت بیندیشد و فرهنگ و اجتماع را به هم گره بزند از این رو می‌گویند که انسان دوستی و فرهنگ بر سیاست مقدم است. در موقعیت کنونی شرایط جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان و منطقه، نوروز یکی از برگ‌های برنده ما به شمار می‌رود». وی به سابقه و جایگاه ایرانیان در جهان اشاره کرد و گفت: «خوشبختانه ملت ما آنقدر سرمایه دوستی و عاطفه داشته که بتواند آن را با دیگران تقسیم کند. امروز کشورهای مختلف به ویژه فارسی‌زبانان دارای فرهنگ و تمدن مشترک، آیین نوروز باستان را با حضور مقامات و ملت‌های خود جشن می‌گیرند و گرامی می‌دارند».



در ادامه نشست دکتر حمید تنکابنی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا به تاریخچه نوروز در نزد ایرانیان و دیگر ملت‌ها اشاره کرد و گفت: «کهن نوروز که نوگرایی در بطن آن است اگر نگوییم بی‌بدیل بلکه یکی از بی‌نظیرترین آیین‌های دنیاست نوروز و سنت‌هایش سرشار از حکمت است از این رو علت برپایی آن فقط شادی و جشن نیست بلکه باید بیشتر پژوهش و تحقیق در رسم و رسوم و آیین‌ها و ریشه آن داشته باشیم».

رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا ادامه داد: «نوروز درخت سه هزارساله‌ای است که هر سال میوه‌های تازه می‌دهد و حال ما را متحول و دگرگون می‌کند. اثرات نوروز در همه اعصار مشهود است. ساز نوروز با تابش خورشید و نسیم بهاری حال انسان‌ها را متحول می‌کند و نوروز در خود نو شدن حال‌ها و تحول ظاهری و باطنی را همراه دارد. ایرانیان با برگزاری مراسم و جشن چهارشنبه سوری به استقبال نوروز رفته و با دید و بازدید و صلۀ ارحام سنت نوروز را به جای آورده و با برگزاری سیزده بدر پرونده آن را می‌بندند».



در بخش دیگری از نشست سالانه نوروز، سعدالله نصیری قیداری، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو گفت: «جهانی شدن امری نیست که از سال ۱۹۸۰ وارد شده باشد بلکه از ابتدا بشر علاقه‌مند به جهانی شدن بوده و هست. بروز و ظهور فناوری‌های ارتباطات و رسانه‌های قوی در همه عرصه‌ها اعم از مجازی، مکتوب، تصویری و شنیداری و صنعتی شدن موجب شده تا روند جهانی شدن سرعت بیشتری بگیرد».

دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ادامه سخنانش به موضوع ثبت نوروز در یونسکو اشاره کرد و گفت: «هر کشوری می‌تواند هر آنچه دارد را در سفره رنگین وحدت جهانی بچیند، به عنوان مثال رشت ایران به عنوان خلاق غذا در یونسکو ثبت شد، این در حالی بود که هزاران غذای جهانی در دنیا صاحب نام بوده و در حال پخش است».

وی به ثبت هنرهای دستی اصفهان، ۱۱ قنات گناباد، میدان امام اصفهان، باغ‌ها و مشاهیر ایران در فهرست جهانی یونسکو اشاره کرد و گفت: «هر کشوری با فرهنگ و تمدن خود زنده است و با ارائه و معرفی آثار و تمدن و تاریخ گذشته خود در دنیا حرفی برای گفتن خواهد داشت».



نصیری قیداری با اشاره به ثبت بیش از ۳۵ ایرانی در فهرست مشاهیر یونسکو، تأکید کرد: «ما اهل تعصب خشک نیستیم و لذا نباید کثرت نام‌های فرنگی خارجی ذهن ما را از فارابی، حافظ، سعدی و دیگر بزرگان این سرزمین دور کند و یونسکو هم تأکید دارد که همه مشاهیر کشورها باید ثبت جهانی و به همگان معرفی شوند. محور توسعه، عدالت و صلح باید فرهنگ باشد چرا که یونسکو این سه را به عنوان ستون این سازمان معرفی و ترسیم کرده و همواره بر دوری از چپاول و غارت و خشونت تأکید داشته است.»

دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو، ایرانیان را بنیانگذار اولین دانشگاه جهان عنوان کرد و گفت: «امروز یونسکو و جهان پذیرفته است که جندی‌شاپور ایران به عنوان اولین دانشگاه جهان شناخته شده است.»

لازم به ذکر است در پایان این مراسم نهال صلح و دوستی با حضور جمعی از مهمانان داخلی و خارجی از جمله استاد احمد سمیعی گیلانی و شهردار ناحیه ۶ تهران در محوطه پژوهشگاه علوم انسانی کاشته شد.









## گزارش تصویری از دیدار نوروزی همکاران





## برگزاری همایش بین‌المللی «فلسفه، دین و علم در زیست جهان اسلامی» در دانشگاه وین

همایش «فلسفه، دین و علم در زیست جهان اسلامی» از ۲۱ تا ۲۴ اسفند ۹۶، به همت دانشکده فلسفه و علوم تربیتی دانشگاه وین با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه تهران، انجمن فلسفه میان‌فرهنگی ایران و انجمن فلسفه میان‌فرهنگی (آلمان) در دپارتمان فلسفه دانشگاه وین برگزار شد.

اساتید و پژوهشگرانی از دانشگاه‌های ایران، اتریش، آلمان، سوییس، تونس، ترکیه، الجزایر و مراکش از حوزه‌های تخصصی متفاوت که علاوه بر تخصص در اندیشه و تاریخ جهان اسلام، دغدغه‌های میان‌فرهنگی نیز داشتند از سوی پروفسور گئورگ اشتنگر، دبیر علمی همایش و صاحب کرسی «فلسفه در جهانی گلوبال/ فلسفه میان‌فرهنگی» دانشگاه وین، برای شرکت در همایش و ایراد سخنرانی دعوت شدند.

این همایش در بستر مباحث «فلسفه میان‌فرهنگی» در پی پرداختن به پرسش‌هایی اساسی از این دست بود که اگر نخواهیم در تنگنای برداشت‌ها و اندیشه‌های جهان‌شمول گرایانه از یک طرف و جزئی‌نگرانه از طرف دیگر، باقی بمانیم، چگونه باید از مفاهیمی نظیر جهانی شدن و تنوع فرهنگی سخن بگوییم؟ آیا بین سه پارادایم اصلی «فلسفه، دین و علم» خطوط اتصال و پیوستگی‌هایی وجود دارد که بتوانند مرادفات و تبادلات میان این سه را ممکن سازند یا هر یک از این سه ساحت، تاریخ و نظام‌مندی خاص خود را دارند؟ پرسش اساسی دیگر این که آیا «مدرنیته» صرفاً پروژه‌ای غربی است که دیگر سنت‌های فرهنگی غیر غربی تنها با پیروی از تاریخ بسط و توسعه غرب در تکنیک، علم، دموکراسی، اقتصاد و غیره باید از آن پیروی کنند و به نحو انتقادی یا بی‌چون و چرا آن را بپذیرند یا می‌توان از تنوع و اقسام مدرنیته‌ها سخن گفت که هر یک علم، فلسفه و دین خاص خود را دارند؟ دانشگاه وین، محل برگزاری این همایش دانشگاهی با ۶۵۰ سال سابقه است که در حوزه‌های مربوط به فلسفه علم و پدیدارشناسی جایگاهی ممتاز دارد و دپارتمان فلسفه این دانشگاه مهم‌ترین و فعال‌ترین دپارتمان در عرصه فلسفه میان‌فرهنگی است.

همایش «فلسفه، دین و علم در زیست جهان اسلامی» با سخنرانی پروفسور گئورگ اشتنگر، دکتر علی اصغر مصلح (رئیس انجمن فلسفه میان‌فرهنگی ایران)، دکتر کریستا شنابل (معاون دانشگاه وین) آغاز شد.

پروفسور اشتنگر در سخنان خود پس از خوشامدگویی به مهمانان همایش، طرحی کلی از برگزاری همایش ترسیم کرد. وی در سخنان خود اشاره کرد، ایده برگزاری این همایش در سفر به ایران و ملاقات با دکتر داوری رئیس فرهنگستان علوم ایران شکل گرفته است. در دو سال گذشته برگزارکنندگان همایش در اتریش و ایران مقدمات این رویداد را فراهم کرده‌اند. وی اظهار امیدواری کرد این همایش بتواند گام موثری در روشن شدن زوایای فلسفه میان‌فرهنگی و هم‌سخنی اساتید و اندیشمندان بردارد که فعالیت‌های علمی خود را معطوف به مباحث میان‌فرهنگی کرده‌اند.



دکتر علی اصغر مصلح نیز با اشاره به وضعیت کنونی جهان، از اهمیت فلسفه میان فرهنگی سخن گفت: «امروز با وضعیت پیوستگی سرنوشت ملت‌ها به هم، باید به مسائل یکدیگر به عنوان مسائل مشترک نظر کنیم. مسأله جنگ در خاورمیانه و معضلات آنها مثل خشونت و توسعه نیافتگی و تعارض‌های فرساینده، دیگر تنها مسأله خود آنها نیست. می‌توانیم و باید تفکر از افق انسانیت را تقویت کنیم. امروز بیش از گذشته به نگاه کردن به یکدیگر با چشم همدلی و شفقت نیاز داریم».

دکتر کریستا شنابل، معاون رئیس دانشگاه وین، پس از خوشامدگویی و اشاره به برخی همکاری‌ها میان اندیشمندان ایرانی و اتریشی گفت: «مسائل سیاسی و بحران‌های مربوط به آن مانند مهاجرت و موج پناهندگان، مسائل مربوط به اسلام را از وضعیت گذشته که مربوط به منطقه‌های دور و مجزا از ما بود به مسأله ما در اینجا و اکنون (در اروپا) تبدیل کرده، یعنی آنچه همه ما از حیث اجتماعی با آنها درگیر هستیم. مسأله ما در این همایش مسلماً خود اسلام نیست، بلکه مسأله نسبت میان مدرنیته غربی با سنت اسلامی است وی در پایان اظهار امیدواری کرد که بتوانیم از طریق این همایش پایان یافتن سرکوب اندیشه در برابر ایدئولوژی را بیان کنیم و گفت: «اندیشه وظیفه دارد که پل‌ها را بسازد و فهمی را ممکن سازد که فراتر از همه تمایزها یا از میان تمایزها، فرهنگ مشترک و جمعی را جست‌وجو کند و برای این کار از حیث روشی، در فضایی باز، تعاملی برای استدلال عقلانی ایجاد کند»

در روز دوم همایش دو پنل موازی با سخنرانی علی اصغر مصلح، سرهان دوهیب (دانشگاه کاسل آلمان)، شهین اعوانی (موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران / انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران) سیدمحمد رضا حسینی بهشتی (دانشگاه تهران / انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران)، رومان زایدل (دانشگاه آزاد برلین)، بیژن عبدالکریمی (دانشگاه آزاد تهران شمال / انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران)، اشرف شیخ‌الاسلامزاده (دانشگاه وین) و رحیم نوبهار (دانشگاه شهید بهشتی) برگزار شد. در پایان این روز سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی (فرهنگستان علوم / انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران) که به صورت نسخه تصویری برای همایش آماده شده بود، برای حضار به نمایش درآمد. دکتر داوری در سخنان خود گفت «اسلاف ما در ایران وقتی به فلسفه یونانی توجه کردند و آن را فرا گرفتند، در عین اینکه جوهر آن را حفظ کردند، مبادی و مسائلی را با درک جهان خود دریافتند و تفسیر کردند. فلسفه اسلامی از تلاقی میان دو روح و دو فرهنگ که تفاوت ذاتی با یکدیگر داشتند به وجود آمد. تفاوت این دو روح را بعضی فیلسوفان و نویسندگان به صراحت ذکر و تصدیق کرده‌اند. در فلسفه اسلامی این دو روح به یکدیگر نزدیک شدند و امکان هم‌سخنی پیدا کردند. با توجه به این معنی فلسفه اسلامی یک فلسفه میان فرهنگی است. بعد از افلاطون و ارسطو و از زمان رواقیان و افلوپین همه فلسفه‌ها میان فرهنگی است. منتهی در زمانی که تفکر، دچار افسردگی و جمود و قشریت می‌شود، نیروی میان فرهنگی بودنش را از دست می‌دهد».





همایش در روز سوم، با سخنرانی سیدحمید طالبزاده (دانشگاه تهران/ انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران) از سرگرفته شد و با سخنرانی‌های عباس پویا (مؤسسه اسلامی مطالعات دینی آلمان)، هانس شلکسهورن (دانشگاه وین/ انجمن فلسفه میان فرهنگی وین)، آنکه گرانس (دانشگاه وین)، سابینه گرنس (دانشگاه وین)، محمدرضا جوادی یگانه (دانشگاه تهران)، عدنان اصلان (دانشگاه وین)، برت فراگنر (دانشگاه وین) در دو پنل موازی ادامه یافت.

در روز پایانی، همایش از ساعت ۹ صبح آغاز به کار کرد و تا ساعت ۱۸ ادامه داشت. در این روز اولریخ رودولف (دانشگاه زوریخ سوئیس)، رودیگر لولکر (دانشگاه وین)، احمدعلی حیدری (دانشگاه علامه طباطبائی / انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران)، رضا دهقانی (دانشگاه وین/ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، میثائیل اشتاودیگل (دانشگاه وین)، محمد ترکی (دانشگاه تونس)، محمدرضا وصفی (دانشگاه تهران) و خالد شیخ‌الاسلامی سخنرانی کردند.

برنامه همه سخنرانی‌ها به نحوی تنظیم شده بود که پس از هر سخنرانی زمان مناسبی برای پرسش و پاسخ اختصاص یافته بود و امکان مشارکت و تعامل را برای کلیه مخاطبین فراهم می‌ساخت.

مراسم اختتامیه از ساعت ۱۶ در سالن اصلی برگزاری همایش آغاز شد. دکتر علی اصغر مصلح و پروفیسور اشتنگر هریک جمع‌بندی کوتاه و ارزیابی مثبتی از برگزاری همایش و بحث‌های مطرح شده در سخنرانی‌ها داشتند و ابراز امیداری کردند تا این گردهمایی انگیزه بیشتری برای گسترش تعاملات علمی در آینده فراهم کرده باشد.

در پایان مراسم پروفیسور اشتنگر از دست‌اندارکاران همایش تقدیر کردند و همچنین هدایایی از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، انجمن فلسفه میان فرهنگی ایران و دانشگاه تهران به دبیران همایش پروفیسور گئورگ اشتنگر، دکتر آنکه گرانس و دکتر رضا دهقانی و همچنین مسئول اجرایی همایش خانم ایرینا اشتومپف اهدا شد.

در روزهای برگزاری همایش، دکتر مولایی سفیر ایران در اتریش و دکتر وصفی، رایزن فرهنگی ایران با برگزاری دو ضیافت شام فرصت مناسبی برای شرکت‌کنندگان همایش فراهم ساختند تا با هم‌صحبتی بیشتر از فضای علمی و موضوعات پژوهشی در دست تحقیق یکدیگر باخبر شوند و امکان همکاری‌ها و تعاملات بیشتر میان آنها فراهم شود. در شب پایانی و پس از مراسم اختتامیه نیز پروفیسور اشتنگر ضیافت شامی به افتخار سخنرانان و مهمانان ایرانی حاضر در همایش برپا کردند و بار دیگر از حضور مهمانان و برگزاری موفق همایش ابراز خرسندی کردند.



## فقه پویا؛ روایت حداقلی و حداکثری

نشست «فقه پویا؛ روایت حداقلی و حداکثری» به همت پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل، به سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین داود مهدوی‌زادگان در روز ۱۵ اسفند ۹۶، در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار شد.

این گفتار به مناسبت سالگرد نامه تاریخی امام خمینی (ره) خطاب به علما و طلاب حوزه‌های علمیه در سال ۶۷ ارائه می‌شود. این نامه در همان سال به منشور روحانیت شهرت پیدا کرد، بخشی از آن درباره فقه پویا است. مباحثی که خواهد آمد ادامه بحث نظریه دولت مکلف است که در کرسی‌های نقد نظریه پردازی طرح کرده‌ایم. دستاورد سخن پاسخ به دو پرسش است:

( ۱ ) آیا فقه پویا به تحول رویکردی نیاز دارد؟

( ۲ ) دلیل عدول برخی از پیروان فقه پویا از ادامه راه چیست؟

فقه پویا منتظر طرح مساله نمی‌ماند بلکه خود در پی یافتن پرسش‌های نوین است و برای این کار عرصه‌های جدیدی را که در گذشته، جزو قلمرو فقه تلقی نمی‌شد می‌کاود و درونی می‌کند. فقه پویا کمتر در صدد پاسخ به پرسش‌های تکراری است. فقه پویا وارد متن شده تا جایی که با عینیت‌یابی، خود به متن تبدیل می‌شود. در مقابل آن، فقه ایستا یا فقه پیرو قرار دارد و متن گریز است و بیشتر در صدد حاشیه زدن بر متن است.

رمز ماندگاری فقه امامیه در گذر زمان در همین اراده بر پویایی فقه است. بزرگان فقه‌های شیعه هرگز سعی نکردند شارح فقه گذشتگان باقی بمانند بلکه خود مساله آفرینی می‌کردند و با این کار فقه امامیه را یک گام به جلو می‌بردند. چنان که در تاریخ فقه معاصر می‌توان به مرحوم احمد نراقی ( م ۱۲۴۵ ق ) با تألیف کتاب عواید الایام، شیخ محمد حسن نجفی ( م ۱۲۶۲ ق ) با کتاب جواهر الکلام، شیخ مرتضی انصاری ( م ۱۲۸۱ ق ) با تألیف کتاب سترگ المکاسب، حضور فعال فقه در عرصه اقتصاد را نشان داد، میرزا حسن شیرازی ( م ۱۳۱۲ ق ) با فتوای تحریم تنباکو، قدرت فقه بر استبداد و استعمار را آشکار کرد و شاگرد ایشان شیخ شهید فضل الله نوری ( م ۱۳۲۷ ق ) توانایی فقه در شکل‌گیری نهضت‌های مردمی را اعلام کرد و نیز می‌توان به مرحوم



سید محمد کاظم طباطبایی یزدی ( م ۱۳۳۷ ق ) با تألیف کتاب‌گران سنگ عروه الوثقی اشاره کرد. تمام این مساعی عظیمه بزرگان فقاقت را می‌توان در راستای تکاپوی فقه پویا برای شناخت عرصه‌های ناشناخته و مسائل جدید دانست.

نقطه عطف تاریخی در فقه پویا توسط امام خمینی (ره) با ورود به عرصه سیاست و رهبری مردم و تأسیس حکومت دینی مبتنی بر اصل ولایت مطلقه فقیه ورق خورد. با آغاز تجربه حکمرانی فقیه، زمزمه‌های پدیداری تقابل میان دو رویکرد حداقلی و حداکثری در فقه پویا شنیده شد. اوج روایت این تقابل را می‌توان در منشور روحانیت و عزل قائم مقامی مشاهده کرد.

رویکرد حداقلی خواهان تجربه حکمرانی مبتنی بر فقه فردی است و لیکن رویکرد حداکثری بر این باور است که اداره حکومت بر پایه فقه فردی نه فقط نامیسر که ناممکن است. بسیاری از مسایل حکومتی مستقل از فرد و حوزه عمومی است. لذا از این دیدگاه حکومت فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است.

وی در پایان در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده گفت: «فقه پویا با تجربه حکمرانی به تحول در رویکرد از فقه فردی به فقه حکومتی نیاز دارد. موضوع فقه حکومتی عبارت از دولت است. دلیل عدول برخی پیروان فقه پویا از تجربه فقهی حکمرانی، گرایش آنان به رویکرد حداقلی است. این افراد در امر سیاست به گرایش‌های متحجرانه و یا عرفی (سکولار) سوق پیدا می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت که رویکرد حداکثری فقه پویا علاوه بر منازعه سیاسی با استبداد و استکبار، در عرصه علمی نیز منازعه سختی با متحجرین و واپس‌گرایان فقه پویا دارد. چنان‌که این هر سه سنخ منازعه را می‌توان در منشور روحانیت امام خمینی (ره) به وضوح مشاهده کرد.







نشست «فرشتگان مانوی» به همت پژوهشکده زبان‌شناسی با سخنرانی دکتر محمد شکر فومشی، استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، پژوهشکده ادیان، در تاریخ ۱۵ اسفند سال ۹۶، سالن حکمت برگزار شد. در ادامه گزارشی از این نشست را می‌خوانید:

میان دستنویس‌های مانوی تورفان محفوظ در مجموعه برلین، بیش از بیست قطعه وجود دارد که در آنها، از فرشتگانی یاد شده

که اغلب آنها، به دلیل کمبود مدارک، در تحقیقات پژوهشگران مطالعات مانوی، گمنام هستند. اصل نام هیچیک از فرشتگان مانوی ایرانی به نظر نمی‌رسد. شماری از دستنویس‌های مانوی تورفان، برخلاف انتظار، تأثیر شدید متون جادویی یهودی را نشان می‌دهند. در همه قطعه دستنویس‌های جادویی تورفان یک چیز مسلم است: فرشتگان مذکور در متون مانوی جملگی ضدافسون و جادوستیز و دیوستیزند. از اینان در قطعاتی یاد شده که، بنا به آن، مانویان بدانها توسل می‌جستند تا از شر نیروهای تاریکی در امان بمانند. بیشتر این قطعات تورفان متون جادویی و همه فرشتگان مذکور در آنها نیز ضدافسون و جادو ستیز هستند. اینان در متون به نام فراخوانده شده‌اند تا به هنگام بروز بیماری و درد که از سوی دیوان، دروجان و یخسه‌ها برانگیخته می‌شدند، در کنار مؤمنان باشند و با شکستن طلسم از آنان محافظت کنند. نیرنگ‌ها و وردهایی که به این فرشتگان اختصاص یافته بیشتر محافظ مؤمنان از پلیدی‌های طبیعی و روحی هستند تا این که نقش بندهشنی و مینوی داشته باشند. ساختار این وردها فوق العاده به وردهای آرامی همانند است. در این نشست بیش از بیست فرشته معرفی شده که در میان آنان پنج فرشته از همه مهم‌ترند: یاکوب، میخائیل، گبرائیل، سرائیل و روفائیل. اینان، فرشتگان دفاع و برکت و اقبال نیک و شفا هستند. فرشتگان دیگر، عبارتند از: نرسوس و نستیکوس که از نظر اهمیت جایگاه دوم قرار دارند. آنگاه، برسیموس، کفتینوس، برزکاه، نوخائیل، بوبو، مومین، ایلمون و دیگران می‌آیند که آگاهی‌مان در زمینه برخی از آنها تقریباً هیچ است. خویشکاری هیچ‌یک از فرشتگان مانوی که از آنها در متون جادویی یا نیایشی یاد می‌شود، هم‌اکنون کارکرد هم‌نامشان در اساطیر بابلی، یهودیت یا مسیحیت نیست؛ کاملاً طبیعی است که مانی «می‌بایست» در استفاده از این سامانه فکری دخل و تصرف کرده باشد. این فرشتگان جملگی رزمجو هستند، چرا که هم‌اکنون در نبرد با دیوان هستند. یاکوب سردار فرشتگان است. اصل نام هیچ‌یک از این فرشتگان، ایرانی نیست؛ مانویان شرق (حتی مانویان چینی) عیناً فرم اصیل آرامی مأخوذ از سوی مانی را پذیرفته‌اند. از میان متون چینی مانوی، فقط متن نویافته چینی در شیاپو (فوجیان) است که پرتوی نو بر فرشته‌شناسی مانوی در چین می‌افکند. فرشتگان در اینجا، مطابق با فرهنگ چینی، شاهان آسمانی به شمار رفته‌اند. این جستار به تشخیص هویت برخی فرشتگان پرداخت: ارسوس و مرسوس به احتمال قوی همان نرسوس هستند و برسیموس همان بلسیموس در متن یونانی مانوی کُن. کفتینوس / کافتینوس احتمالاً «فرشته (حرف) کاف»، حرف معجزه‌گر آفرینش است. تصور می‌شود بوبو / بوبئو و مومین و ایلمون اصلی بابلی دارند.

در ضمن این جستار به رفع سوءتفاهمی پرداخت، که بنابر آن همه شخصیت‌های فراخوانده شده در متونی که عنوان «فریادخواهی / استغاثه به فرشتگان» دارند، فرشته‌اند؛ وی اظهار کرد که برخی از اینان غول، شاه، قهرمان یا پیامبر بودند نه فرشته. اهرندوس، اهرنت (اُورِنْتِس) بودایی است و سیت همان شیث. فریدون افسونگشا، شخصیتی که از گنجینه فرهنگ ایرانی اقتباس شده، آشکارا شاه است. در متون جادویی مانوی چهار ایزد، پدر بزرگی (زروان)، مادر زندگان، ئیل (فرستاده سوم) و روح زنده (مهر ایزد)، نیز به یاری خواسته شده‌اند. در اسطوره بندهشنی مانوی، نبرد روح زنده با دیوان معروف است.

وی در ادامه گفت: «که آنتبیش، برخلاف برخی دیدگاه‌ها، قابل قیاس با هوبابیش نیست؛ آنتبیش مانوی بازتاب متأخری از اوئناپیشتم بابلی است و هوبابیش همان هوبابیش / هوبابیش در کتاب غولان قمران است. احتمال داده‌اند هوبابیش عبری و مانوی در اصل هومبابای بابلی است که از او در کنار نام گیلگمش در کتاب غولان یاد شده است. مانی که کتاب غولان خویش را بر اساس کتاب غولان حنوخ نوشت، قطعاً با اساطیر موطن خویش بابل و داستان توفان و حماسه گیلگمش آشنا بوده است. مدارک مانوی گویای آنند که مراد از آتالیا در ادبیات مانوی «گرفتگی» خورشید و ماه (کسوف و خسوف) است، نه نام اژدهایی آسمانی که تاکنون تصور می‌شد نماد آن است. مانویان احتمالاً جهت دور ماندن از شر آتالیا که خورشید و ماه را می‌پوشاند تا از ورود روشنی‌های پالوده به آنها جلوگیری کند، از فرشتگان بلاگردان یاری می‌جستند.»

برجسته‌ترین بیماری در متون جادویی مانوی که مؤمنان مانوی می‌کوشیدند با فراخوانی فرشتگان بلاگردان و اورادی شمنی به دفع آن بپردازند، تب است. تب مهم‌ترین عارضه اهریمنی هم در داستان گیلگمش است و هم در کتاب غولان. اکنون شاید بتوانیم دفاعیه مانی نزد بهرام یکم شاهنشاه ساسانی را بهتر درک کنیم که بدو گفت: «من به شما هیچ بدی نکردم؛ چه، همیشه کرفه کردم به شما و خاندان شما؛ و بسیار و فراوان بنده شما که من دیو و دروج از آنها ببردم و بس بودند که از بیماری خیزاندم و بس بودند که تب و لرز چندساله از آنها دور کردم و بس بودند که به مرگ آمدند و من ایشان را» وی در پایان اظهار داشت: «باورهای کافرکیشی و سنت‌های کهن بابلی در شکل‌دهی به اندیشه‌های بنیادین بنیانگذار کیش مانوی، که تاکنون بسیار اندک بدان توجه شده، بسیار تأثیرگذار بوده است.»

## ارزیابی سیاست‌های دولت پیرامون فقر

به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه و با همکاری انجمن علمی دانشجویی اقتصاد، نشست «ارزیابی سیاست‌های دولت پیرامون فقر» با سخنرانی دکتر مسعود نیلی، دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اقتصادی، در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۷ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ساعت ۱۵ برگزار شد.

نیلی سخن خود را با تأکید بر اینکه فقر یکی از معضلات بزرگ کشور است آغاز کرد و با اشاره به عوارض این پدیده برای کشور گفت: «یکی از رنج‌آورترین معضلات در برخی از جوامع فقر است که اگر حل نشود، می‌تواند پیامدهای بزرگی را داشته باشد و هزینه‌های سنگینی را بر جوامع تحمیل کند. بسیار مهم است که هم یک تصویر واقعی از آنچه در زمینه فقر وجود دارد و هم چشم‌اندازی از آنچه که می‌توانیم در زمینه مبارزه با فقر و تحقق عدالت اجتماعی به آن برسیم، داشته باشیم».

وی با بیان اینکه در مورد فقر، توزیع درآمد و عدالت اجتماعی، مباحث زیادی مطرح شده و اینکه در کشور ما، زمانی که انقلاب اسلامی صورت گرفته، رفع فقر از شعارهای محوری آن بوده است، گفت: «از اول انقلاب اسلامی تا دو دهه بعد از آن، این سؤال مطرح بوده است که از میان رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی کدام یک مهم‌تر است. همچنین تاکنون بهبود درآمد و رفع فقر از کلید واژه‌های مورد تأکید همه مقامات ارشد کشور و مسئولین بوده است و همگان رفع فقر و نابرابری را از وظایف خود دانسته‌اند، اما نمی‌توانیم با قطعیت از این سخن بگوییم که آیا در این راه موفق بوده‌ایم یا نه».

مشاور رئیس جمهور در امور اقتصادی با اشاره به عدم تبیین درست وضعیت و شاخصه‌ها افزود: «فارغ از وضعیت شاخص‌های مربوط به توزیع درآمد و رفع فقر در کشور، حتی در سطح مفاهیم هم به خوبی موضوع را تبیین نکرده‌ایم و مباحثی که در این زمینه در کشور ما مطرح می‌شود از نظر من از دقت کافی برخوردار نیستند. چنین موضوعاتی علی‌رغم اهمیتی که داشته‌اند در طول سالیان سال به صورت شعاری باقی مانده‌اند، تاکنون ما به کرات شعار مبارزه با فقر و نابرابری داده‌ایم، اما نمی‌توانیم از نتیجه‌ای قطعی در این زمینه سخن بگوییم».

نیلی افزود: بنده از این منظر وارد می‌شوم که ابتدا مفاهیم را توضیح داده و سپس به بیان راهکارهای رفع فقر در کشور پردازم. باید تلاش کنیم تا ۱۰ سال دیگر اعلام نکنیم که موفقیتی در زمینه رفع فقر کسب نکرده‌ایم. معمولاً دو کلید واژه «فقر» و «توزیع درآمد» با هم به کار برده می‌شوند، اما این دو مفهوم که با هم به کار می‌روند، لزوماً هم حرکتی ندارند و ممکن است توزیع درآمد بهتر شده و فقر هم بیشتر شود یا برعکس و ممکن است نابرابری کمتر شده و فقر بیشتر شود؛ یعنی به طنز می‌توان آن را «توزیع عادلانه فقر» نامید و فاصله قشر پردرآمد و کم درآمد بیشتر شود؛ بنابراین باید مسئله را عمیق‌تر بررسی کنیم.

**نیلی: « با قطعیت نمی‌توانیم بگوییم در رفع فقر موفق بوده ایم  
نظام مالیاتی باید تغییر کند»**





مشاور اقتصادی رئیس جمهور در ادامه به توضیح مفهوم فقر از منظر اقتصادی پرداخت و گفت: «فقر را اینگونه تعریف می‌کنیم که بخشی از جامعه در تأمین نیازهای خود دچار مشکل هستند. گاهی فقر مطلق است؛ یعنی بخشی از جامعه در تأمین نیازهای اولیه خود همانند کالری مورد نیاز دچار مشکل هستند».

نیلی در ادامه با تعریف فقر نسبی گفت: «فقر نسبی شاخصی است مستقل از اینکه درباره سوئیس یا فلان کشور عقب افتاده آفریقایی صحبت می‌کنیم، در همان کشورها هم افرادی هستند که درآمد کمتری دارند و مثلاً ۲۵ درصد پائین جامعه را به عنوان افرادی که دچار فقر نسبی هستند در نظر می‌گیریم. با این تعاریف، فقر نسبی همیشه و در همه کشورهای دنیا وجود دارد، اما وضعیت فقر مطلق در کشورهای مختلف، متفاوت است. طبقه‌بندی دیگر در زمینه فقر اینگونه است که به فقر درآمدی و فقر چند بُعدی تقسیم می‌شود. فقر درآمدی به معنای کمبود درآمد در مقابل تأمین استانداردهای زندگی است، اما فقر چند بُعدی به میزان توانمندسازی به لحاظ آموزش، بهداشت و درمان، مسکن و... در جامعه اشاره دارد. اگر در کشوری، سرمایه‌گذاری بسیار زیادی بر روی آموزش یا بهداشت و درمان صورت گرفته باشد، در این شرایط است که می‌توانیم بگوییم وضعیت درآمدی آن کشور مساعد نیست، اما فقر چند بُعدی در وضعیت مساعدی قرار دارد».

این کارشناس مسائل اقتصادی اظهار کرد: «با هر کدام از این روش‌ها که وضعیت فقر در جامعه را شناسایی کنیم و روشن شود که گروه‌های فقیر ما چه کسانی هستند و آیا این فقرا در بین جوانان، بانزشتگان، شاغلان، بیکاران، بانزشتگان یا ... هستند باید برنامه خاصی را برای مقابله با آن تدوین کنیم و باید تحقیقات لازم را انجام دهیم تا به نتیجه برسیم».

این استاد دانشگاه همچنین تأکید کرد: «پاسخ این سؤال بسیار مهم است؛ مثلاً اگر فرض کنیم نتیجه حاصل شده این است که اکثر فقرا از بین شاغلان هستند، در این شرایط باید بررسی کنیم که چرا افزایش اشتغال، باعث کاهش فقر نمی‌شود. بعد از این موارد به بررسی ویژگی‌های فقر و ثروتمندان در جامعه می‌پردازیم. از جمله مواردی که در این زمینه می‌توان استفاده کرد این است که قشر فقیر جامعه، مثلاً دهک اول، چه شرایطی دارند و آیا همگی بیکار، بانزشته، شاغل و یا... هستند. این نتایج بسیار ارزشمند است. ما در کشورمان ۲۴ میلیون خانوار و ۳ میلیون بیکار داریم. حدود ۳۵ تا ۳۸ درصد دهک‌های فقیر جامعه ما را افراد شاغل تشکیل می‌دهند. این موضوع، مشاهده و نتیجه‌ای آموزنده برای ما است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که برای رفع فقر، علاوه بر اینکه باید برای بیکاران، شغل ایجاد کنیم، باید درآمد شاغلان را هم افزایش دهیم و بعد به فکر بانزشتگان باشیم. با چنین اقدامی، از بخشی از معضلات مربوط به این موضوع، خلاص می‌شویم».

وی ادامه داد: «یکی از مشکلاتی که در اقتصاد ما وجود دارد این است که بنگاه‌های کشور ما، ابتدا کوچک نبوده‌اند که بعد بزرگ شده باشند، بلکه از اول بزرگ بوده‌اند؛ در حالی که در همه کشورهای پیشرفته دنیا، بنگاه‌های بزرگ، ابتدا یک کارگاه کوچک بوده‌اند و سپس بزرگ شده‌اند و شغل زیادی هم ایجاد کرده‌اند. مسئله دیگر این است که در ایران بین بنگاه‌های مختلف اقتصادی، ارتباط برقرار نیست و کسی هم که در این بنگاه‌ها شغل پیدا می‌کند، در مسیر بهبود موقعیت شغلی و بهبود درآمدی قرار نمی‌گیرد، بنابراین اگر بزرگترین فقرای ما در مرحله اول، شاغلان، سپس بیکاران و در نهایت افراد معلول و ناتوان هستند، دولت برای رفع مشکل دسته اول باید درآمدها را افزایش داده و برای دسته دوم نیز شغل ایجاد کند. همچنین لازم است که برای افراد معلول و ناتوان در کشورمان، بسته‌های حمایتی در نظر گرفته شود».

نیلی درباره توزیع درآمد در کشور گفت: «درباره توزیع درآمد این مسئله مهم است که چه نسبتی بین فقیر و غنی در یک کشور وجود دارد و آیا لازم است این نسبت بهبود پیدا کند یا خیر. نکته لازم به ذکر در مورد ایران این است که اگر دهک‌های اول تا دهم درآمدی را از کمترین به بیشترین مرتب کنیم، فاصله تقریباً ۱۴ به ۱ بین دهک اول و دهم وجود دارد و این نسبت برای کشور ما بسیار زیاد است».

مشاور اقتصادی رئیس جمهور با اشاره به اهمیت اصلاح نظام مالیاتی کشور اظهار کرد: «نظام مالیاتی ما باید به سمت مالیات بازتوزیعی حرکت کند؛ یعنی مالیات اقشار پر درآمد را افزایش داده و بین اقشار کم درآمد توزیع کنیم اما آنچه در مورد آن در زمینه سیاست‌گذاری دارای نقص هستیم این است که نه نظام مالیاتی ما ثروتمندان را می‌شناسد که از آنها مالیات بگیرد و نه نظام حمایتی ما فقرا را می‌شناسد که به آنها کمک کند و این ایراد بزرگی است، با چنین وضعیتی، خطاهای ما فراگیر می‌شود و مثلاً اگر می‌خواهیم یارانه پرداخت کنیم، توزیع یارانه بین کسی که ۲ میلیون تومان درآمد دارد با کسی که ۲ میلیون و دویست هزار تومان درآمد دارد سخت خواهد شد؛ بنابراین معیار مشخصی نداریم، چراکه هنوز ثروتمندان و فقرا را نشناخته‌ایم».

نیلی در ادامه به بیان راهکارهای خود برای کاهش فقر در جامعه پرداخت و گفت: «اگر از قشر پردرآمد جامعه، مالیات لازم گرفته شده و به قشر فقیر جامعه داده شود، تبدیل به یک بودجه بازتوزیعی می‌شود و اگر این کار صورت گیرد در جهت احیای سرمایه اجتماعی در جامعه هم مؤثر خواهد بود».

این استاد دانشگاه در پایان تأکید کرد که اکنون جامعه ما از منظر اعتماد عمومی به تصمیم‌گیرندگان دچار مشکل است و اعتماد چندان به آنان ندارد و تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند این نگاه مردم به تصمیم‌گیرندگان را ترمیم کند.

## صورت‌بندی مفاهیم در تاریخ سلسله نشست‌های مفهوم در تاریخ

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده تاریخ در ادامه سلسله نشست‌های مفهوم در تاریخ، سومین نشست خود را تحت عنوان «صورت‌بندی مفاهیم در تاریخ» با سخنرانی دکتر حمید رضا اکبری در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۶ در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار کرد.

دکتر اکبری سخنان خود را با پرسش اصلی نشست یعنی نحوه صورت‌بندی مفاهیم در تاریخ آغاز کردند. وی به طرح بحث مفهوم در مطالعات تاریخ و ملاحظات و نکاتی پیرامون موضوع، به این شرح پرداختند: «در حوزه علوم انسانی و به خصوص مطالعات تاریخی به لحاظ مفهومی توسعه یافته نیستند و دچار اوجاج هستند. تاریخ ابعاد گسترده‌ای دارد و وقتی با مفاهیم در گستره تاریخ روبه رو می‌شویم، برای شناسایی و کاربرد دقیق و بررسی این مفاهیم، نیاز به صورت‌بندی آن‌ها در این حوزه داریم. وی افزود: «در پژوهش‌های تاریخی بسیاری از مفاهیم در حوزه روش به کار می‌روند تا در حوزه نظریه. لذا مفاهیم بیشتر به روش تحلیل محتوا، گفتمانی و هرمنوتیکی و یا بازخوانی مفاهیم تاریخی و... به کار می‌روند ولی خود مفاهیم به صورت تئوریک و این که بر اساس چه شاخصی و در کدام چارچوب نظری مورد استفاده قرار می‌گیرند، کمتر به کار گرفته می‌شوند».

اکبری در باب اهمیت مفاهیم، ابراز داشت: «مفاهیم از اولیه‌ترین ملزومات و وسیع‌ترین آن‌ها در علم هستند و علم بدون مفاهیم معنا ندارد. لذا برخی معتقدند مفاهیم کوچک‌ترین واحد تعریف پارادایمی هستند. یک ویژگی مفهوم نیز در حوزه ایده اندیشه قرار می‌گیرد و به نوعی تجرید ناشی از تجربه مشترک است. مفاهیم وقتی ساخته می‌شوند، حول تجربه شکل می‌گیرند بسیاری از مفاهیم ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی دارند و نمی‌توان آن‌ها را در یک بعد بررسی کرد».

وی در ادامه شرح می‌بحث مفهوم اضافه کردند: «مفهوم نماد یک پدیده است نه خود پدیده. مفهوم با کلید واژه و واژگان کلیدی متفاوت است و در واقع واژگان ابزاری برای ساختن مفهوم هستند. وقتی می‌خواهیم مفهوم را به یک مصداق ارتباط دهیم در بین آن‌ها یک خلأ وجود دارد که سازه‌ها آن خلأ را پر می‌کنند و آن را ارتباط می‌دهند».

دکتر اکبری مفاهیم را از جنبه‌ای به تجربی و نظری تقسیم بندی نمودند و در توضیح آن شرح دادند که مفاهیم تجربی قابل تعریف و کمتر انتزاعی هستند و کمتر سازه‌ها بر آن‌ها سوار می‌شوند. ولی مفاهیم نظری باید تفسیر و تبیین شوند و نه تعریف. از جنبه‌ای دیگر مفاهیم را می‌توان به جزئی و کلی تقسیم کرد که مفهوم ایران یک مصداق جزئی دارد اما مفهوم استبداد آزادی و مشروطیت مصادیق کلی دارند.

این عضو هیئت علمی با ارائه این توضیحات و تعاریف ابراز داشتند که بدون مفاهیم، شناخت امکان‌پذیر نیست و بدون شناخت تئوریک مفاهیم را نمی‌توان شناخت. بسیاری از صورت‌بندی‌ها در حوزه‌های فلسفی و سیاسی و دیگر حوزه‌ها بر تاریخ وارد می‌شود، اما با پژوهش‌هایی که در مورد این مسأله حاصل نموده ۳ نوع صورت‌بندی در حوزه تاریخ را بدین شرح ذکر کردند:

۱. صورت بندی اپستمیک یا صورت‌بندی دانایی؛ میشل فوکو در کتاب واژگان و چیزها سه دوران یا سه صورت‌بندی متفاوت را از اندیشه و فرهنگ غرب، از سده‌های میانه به این سو، از هم متمایز کرد. در هر یک از این سه دوره، شکلی خاص و متفاوت از ساختارها، مناسبات و سرمشق‌های کلی دانش، یا صورت‌بندی وجود دارد. فوکو نخستین صورت‌بندی دانایی را از آن دوران پیشاکلاسیک (رنسانس) می‌داند، که از سده‌های میانه و بعد رنسانس، تا اوایل سده هفدهم ادامه یافت و قاعده بنیادی‌اش همانندی و قیاس بود. در آن روزگار، بنا به آن صورت‌بندی دانایی، پژوهش جهان از راه قیاس میان چیزها ممکن می‌شد و یا چیزها را با همانندی با چیزها می‌شناختند.

مثلا کلمه «عدالت» مفهوم عدالت را به‌طور کامل به دست می‌داد، یا مفهوم «عدالت» در خود کلمه «عدالت» نهفته بود. صورت‌بندی دوم، دوران کلاسیک بود که از میانه سده هفدهم آغاز شد و تا دهه‌های آغازین سده نوزدهم ادامه یافت. در این دوره، جهان خارج از ذهن متصور می‌شود. اینجا چیزها بیانگر یکدیگر دانسته شدند و نه همانند با آنها. به عنوان مثال، برای نشان دادن مفهوم «عدالت» می‌توان از کلمه دیگری به غیر از «عدالت» استفاده کرد. دسته سوم از صورت‌بندی دانایی در روزگار مدرن پدید آمد، یعنی از سده نوزدهم به این سو و در پی یافتن نظم منطقی بود. این نظم شناخته نمی‌شد، مگر براساس تمایز. تمایز، قاعده‌های محوری و مرکزی این صورت‌بندی دانایی بود. اینجا، کارکرد مهمتر از پندار «عنصر حیاتی» دانسته می‌شد. زبان‌شناسی جدید پدید آمد که زبان را دستگاهی از موارد متمایز می‌شناخت و این تمایز با کارکردهای متفاوت عناصر زبانی شناخته می‌شد. بعد از روزگار مدرن دسته دیگری از صورت‌بندی دانایی ظهور کرد که آن را صورت‌بندی دانایی پسامدرن می‌نامند.



در این دوران، دیگر سوژه و ابژه مفهومی ندارد و انسان آن برتری را که در مقایسه با چیزهای دیگر جهان برای خود کسب کرده بود، دیگر ندارد. به طور خلاصه می‌توان گفت که در روزگار رنسانس چیزها را با همانندی، چیزها می‌شناختند؛ در روزگار کلاسیک، واژگان بیانگر چیزها بودند؛ در روزگار مدرن، تمایز میان واژگان و چیزها قطعی شده است و در روزگار پسامدرن دیگر سوژه و ابژه وجود ندارد. هر دوره با گسست شناخت‌شناسانه از صورت‌بندی‌های پیشین آغاز شد. این گسست نشانگر موقتی بودن حکم‌هایی است که به نظر ثابت می‌آمدند.

۲. صورت‌بندی تبیینی و تسلسلی؛ این نوع صورت‌بندی را می‌توان از آثار هگل و هایدگر استخراج کرد. هگل برای ضرورت‌ها در تاریخ نقش قایل است و تاریخ را تسلسلی نگاه می‌کند و هایدگر نیز تاریخ را تبیینی می‌بیند. در این صورت‌بندی حوادث



تاریخی مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند و چون حوادث بازاندیشی می‌شوند، مفاهیم نیز مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند. در اینجا ارتباط مفاهیم از گذشته تا اکنون و آینده به صورت منطقی شک می‌گیرد و جمع تسلسل تاریخ، مفهوم را تولید و تبیین می‌کند. در این صورت بندی بازاندیشی تاریخ مطرح است.

۳. صورت‌بندی اعتباری تاریخ؛ که بیان می‌کند همانگونه که ضرورت در تاریخ نقش دارد، همانقدر هم اعتباریات و حوادث به صورت مستقل در تاریخ نقش دارند. کتاب معروف **A study of History** آرنود جی توینبی تمدن را واحد مطالعه تاریخ در نظر می‌گیرد و می‌گوید تاریخ سه رکن دارد: حقایق، افسانه‌ها و هنر. همچنین در این صورت‌بندی برتراند راسل معتقد است: ما در صحنه تاریخ با حالتی مواجه هستیم که به آن حالت تعادل می‌گوییم. در این حالت یک حادثه کوچک، می‌تواند این تعادل را برهم بزند. لذا مطالعه این نوع حوادث و شدت تأثیرگذاری آن در شکل‌گیری دوران‌های تاریخی و صورت‌بندی تاریخ بسیار مهم است. بنابراین ماحصل کلام این است که همانگونه که مفاهیم حقایق را می‌سازند، حقایق هم مفاهیم را می‌سازند و به عبارتی مفاهیم از ضروریات و اعتباریات در تاریخ شکل می‌گیرند.



## تحولات نشانه شناختی در دیالوگ میان دین و سینما



با برنامه‌ریزی و هماهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات نشستی با عنوان «تحولات نشانه‌شناختی در دیالوگ میان دین و سینما با مطالعه موردی سینمای ایران پس از انقلاب» با حضور آقای دکتر سرافراز، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه در روز ۱۵ اسفندماه در سالن ادب پژوهشگاه برگزار گردید.

در ابتدای جلسه آقای دکتر محمود کریمی علوی، رئیس محترم پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ضمن خوشامدگویی به اعضا و حاضرین در جلسه، به معرفی سخنران محترم نشست پرداختند. در ادامه جلسه، سخنران محترم، آقای دکتر سرافراز به ارائه سخنرانی خود پرداخت. وی اظهار داشت که مطالب بیان شده مبتنی بر انجام رساله و تز دوران دانشجویی ایشان با موضوع دین و سینما بوده است. دکتر سرافراز به معرفی مکتب تارتو پرداخت. بنیان‌گذار این مکتب روسی لوتمان است. وی دین و سینما را از منظر این مکتب روسی بررسی کرد و گفت: «از نظر لوتمان در نظریه فرهنگی اطلاعات نقش محوری دارد. نشانه‌شناسی از دل زبان‌شناسی بیرون می‌آید. زبان یک نظام نشانه‌ای از رمزگان است. در سینما، ژانرها می‌توانند رمزگان باشند. رمزگان‌ها متفاوت هستند. رمزگان‌ها به زبان هم ترجمه می‌شوند. این مکتب می‌آموزد که در فضا فرهنگ داد و ستد است. فرهنگ‌ها درون هم هستند و زیست می‌کنند و نظام‌های نشانه‌ای هم به همین ترتیب است. دین و سینما به عنوان یک نظام نشانه‌ای فرهنگی است. فرهنگ را از منظر این مکتب می‌توان به ذهن انسان تشبیه کرد که تولید نشانه، مبادله و ارتباطات می‌کند می‌توان آن را حافظه فرهنگی نامید.»

سرافراز در ادامه به بررسی نشانه‌شناسی چند فیلم از دهه ۶۰ تا ۹۰ پرداخت و به سؤالات حاضران پاسخ گفت.





## بازخوانی تصویر شهر در سینمای ایران



پژوهشکده مطالعات فرهنگی و رسانه نشستی را با عنوان «بازخوانی تصویر شهر در سینما ایران (نمایش رنج تهران)» با حضور خانم بهارک محمودی، محقق و استاد دانشگاه در روز ۸ اسفندماه در سالن ادب پژوهشگاه برگزار کردند. در ابتدای جلسه دکتر محمود کریمی علوی، رئیس محترم پژوهشکده، ضمن خوشامدگویی به اعضا و حاضرین در جلسه، مقدمه‌ای از تاریخچه و برگزاری نشست‌های قبلی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات ارائه داد. در ادامه جلسه، دکتر محمودی به ارائه سخنرانی خود پرداخت و گفت: «تهران سرای سینمای ایران است و سینما همیشه به تهران چشم داشته است. ولی روی خوشی به تهران نداشته است. نگاه بدبینانه به تهران طی صدسال سینمای ایران را شاهد بودیم. رسانه‌های تصویری قدرت ساخت واقعیت را دارند. در انجام این پژوهش، از هر دهه و از هر نسل، سه فیلم و در مجموع سی فیلم را انتخاب و تجزیه و تحلیل کردیم.»

سوال اصلی مواجهه این فیلم‌های سینمایی با شهر است. فیلم‌ها دیده شده، تحلیل محتوای ضمنی انجام شده، با نمونه پژوهش برای مصاحبه و نظر سنجی صحبت شد. نتایج نشان می‌دهد که تهران همیشه با سلطه مسائل شهری بازنمایی شده است. سه مضمون مهاجرت، مسکن و کار در این‌ها دیده شده است. سینما، تصویری تلخ، مخوف و مصیبت بار برای شهر تهران به ارمغان آورده است. در این فیلم‌های سینمایی، تهران همیشه مسائل ریشه‌داری داشته که طی زمان حل نشده و فقط شکل مواجهه فیلم تغییر کرده است. البته این باور وجود دارد که در سینما فقط به مسائل تهران پرداخته شده و ظرفیت‌های تهران مورد غفلت واقع شده است.

وی در پایان مطالب را جمع‌بندی کرد و گفت: «سینما، تهران را در منظری از مسائل و مشکلات و در غیبت زندگی و بهروزی و شادی‌های موجود می‌بیند. انتقاد اصلی این است که نگاه یکسوگرانه فیلمسازان به شهر بدبینانه است و تصویر شیرین از این شهر مورد غفلت واقع شده است.»



# نقد و بررسی کتاب "فرهنگ ادبیات معاصر ایران" نوشته محمد شریفی

جلسه نقد و بررسی کتاب «فرهنگ ادبیات معاصر ایران» روز سه شنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۹۶ در سالن ادب پژوهشگاه برگزار شد.

این نشست که با همکاری پژوهشکده زبان و ادبیات و انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی شکل گرفته بود، با حضور دو منتقد: خانم بلقیس سلیمانی (نویسنده و پژوهشگر ادبیات معاصر) و آقای دکتر محمدرضا موحدی (پژوهشگر و عضو هیات علمی پژوهشگاه)، و نیز مولف کتاب و برخی از همکاران او به بحث و بررسی درباره ماهیت اثر، امتیازها و برخی کاستی‌های آن، اختصاص یافت.

نخست دکتر موحدی درباره معرفی اجمالی اثر و مؤلف آن، مقدمه‌ای ایراد کردند که حاوی این اطلاعات بود: محمد شریفی فرهنگ‌نویس و مؤلف فرهنگ ادبیات فارسی سال ۱۳۴۵ در تهران متولد شد. وی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ در نشر مرغ آمین اشتغال داشت و از ۱۳۷۰ تا کنون به عنوان کتاب پرداز و ویراستار و مؤلف کتاب‌های مرجع در انتشارات فرهنگ نشر نو کار میکند.

از شریفی پیش از این کتاب «گفته‌ها و نکته‌ها» منتشر شده است و همچنین مولف بخش‌های الحاقی «دائرة المعارف دانش بشر» بوده که دو ویرایش از آن به سرویراستاری عبدالحسین آذرنگ منتشر شده است. از محمد شریفی به تازگی فرهنگ ادبیات فارسی در یک مجلد و بیش از ۱۶۰۰ صفحه از سوی دو انتشاراتی فرهنگ نشر نو و معین به بازار کتاب عرضه شده است.

سپس محمد شریفی، مولف اثر، درباره اهداف اولیه و نسبت این کار با اثر قبلی خود (فرهنگ ادبیات فارسی) گفت: «این فرهنگ راهنمای ساده‌ای است برای رفع نیاز آنی علاقه‌مندان ادبیات دیروز و امروز فارسی، اعم از دانشجویان و کتاب‌خوانان که مجموعه‌ای از اطلاعات را به صورتی مدون، به دور از کلی‌گویی و توضیحات مبهم و عبارت پردازی‌های مرسوم فراهم آورده است. نیز افزودند: محتوای این فرهنگ برگرفته ویراست‌هایی از فرهنگ ادبیات فارسی است که اول بار نشر نو آن را در ۱۳۸۷ منتشر کرد و اکنون نزدیک به بیست درصد مطالب جدید به آن افزوده شده است. فرهنگ حاضر در پاسخ به نیاز کسانی تدوین شده است که به ادبیات معاصر علاقه دارند و خواهان مجموعه‌ای مستقل و منسجم در این زمینه‌اند. در این فرهنگ، معرفی رمان‌نویسان و خلاصه رمان‌های شاخص، معرفی داستان‌نویسان و خلاصه برخی از داستان‌های کوتاه، معرفی نمایشنامه‌نویسان و خلاصه نمایشنامه‌های مطرح، معرفی شاعران و دفترهای شعر شاخص، معرفی برخی از منتقدان ادبی، و اصطلاحات و آرایه‌های ادبی با نمونه‌های معاصر را خواهید یافت.»







وی به ملاک انتخاب آثار و چهره‌ها در این فرهنگ اشاره کرد و گفت: «ادبیات معاصر بخش برجسته‌ای از فرهنگ ادبیات فارسی است. در انتخاب نویسندگان و شاعران معاصر ضمن در نظر گرفتن اهمیت، شهرت، محبوبیت، شمار آثار، و نظر منتقدان یک معیار سنی هم قائل شده‌ایم به این ترتیب که تولد پیش از ۱۳۴۰ را معیار قرار داده‌ایم، با این استدلال که جایگاه نویسنده یا شاعری که هم‌اکنون لااقل ۴۷ سال دارد تثبیت شده است و می‌توان با در نظر گرفتن سایر معیارها درباره او تصمیم گرفت. البته آثاری از نویسندگان جوان که برنده جوایز ادبی بوده‌اند از این قاعده مستثنی شده و به هر یک از آنها مقاله‌ای مستقل اختصاص یافته است.»

در ادامه خانم سلیمانی ضمن دست‌مریزاد به مؤلف کتاب، درباره چرایی برخی معیارهای مطرح در مقدمه، همچون مسأله سن نویسندگان مطرح شده و نیز عدم تعادل بسیاری از مدخل‌ها به لحاظ کمی و کیفی، و از قلم افتادن برخی اصطلاحات رایج در داستان‌نویسی معاصر و... نکاتی را مطرح کردند و مؤلف در وقت خود درباره این مشکلات توضیحاتی دادند.

سپس دکتر موحدی با مقدمه‌ای پیرامون ضرورت توجه به دایره‌المعارف‌های تخصصی و امتیازهای اثر محمدشرفی، درباره نحوه انتخاب مدخل‌ها، کم‌عنایتی به شعر سنتی معاصر (در برابر شعر سپید و نو در این اثر)، کم‌عنایتی به ادبیات مهاجرت، عدم ذکر مأخذ برای مدخل‌ها و... سخن گفت و در پایان پیشنهاد داد که بهتر می‌بود با توجه به حجم فراوان اثر، اطلاعات مربوط به ادبیات داستانی اساساً از ادبیات شعر متمایز می‌شد و در بخش جداگانه‌ای از کتاب یا مجلدی مستقل چاپ می‌شد.

در بخش پایانی این نشست، محمد شریفی درباره برخی کاستی‌های مطرح شده، و پذیرش مواردی از آنها، توضیح دادند که گستردگی کار و انبوه فیش‌های حاوی اطلاعات و مدخل‌ها و لزوم ارائه خلاصه‌ای از رمان‌ها و حتی داستان‌های کوتاه و نمایشنامه‌ها، همچنین بدیهی بودن اختلاف سلیقه در انتخاب مدخل‌ها یا وجود و عدم وجود یافته‌هایی درباره شخصیت‌های داستانی و... موجب عدم تعادل برخی مدخل‌ها شده و نوع‌گزینش آنها را شخصی کرده است. در دقایق پایانی این نشست همچنین آقای محمدرضا جعفری مدیر انتشارات نشر نو که خود ویراستار این کتاب نیز بوده، درباره روند شکل‌گیری این اثر سخنانی کوتاه ایراد کرد و گفت: «مهم‌ترین ویژگی این فرهنگ گردآمدن اطلاعات گوناگون ادبی در کنار یکدیگر است. در این فرهنگ بنیاد کار بر ادبیات خلاقه و به‌ویژه ادبیات داستانی است و از حیث دایره شمول، در برگیرنده ادبیات نوین ایران از حدود انقلاب مشروطه تا امروز است. باید توجه داشت که حجم مقالات بیانگر میزان ارزش و اهمیت موضوع نیست بلکه در مورد پدیدآورندگان به عوامل مختلف چون منابع بازمانده و اطلاعات در دسترس، و در مورد داستان‌ها، به ساختار و کثرت یا قلت حوادث بستگی دارد؛ از اینجاست که گاه یک داستان کوتاه فضایی بیش از یک رمان اشغال کرده است. این محقق برای نوشتن این فرهنگ، ۹۰ درصد رمان‌ها و نمایشنامه‌ها و داستان‌های کوتاه با حجم ۱۸۰ هزار صفحه را مطالعه کرده و تلخیص کرده و درباره ۱۰ درصد باقی مانده، از منابع موثق استفاده کرده است.»

## ارایه مدل توانمندشدن سیاسی زنان نخبه پس از انقلاب اسلامی ایران

نشست «ارائه مدل توانمندشدن سیاسی زنان نخبه پس از انقلاب اسلامی ایران» توسط گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی، در تاریخ ۱۳ اسفند ساعت ۱۰ الی ۱۲ در سالن اندیشه، با حضور جمعی از نمایندگان اسبق مجلس شورای اسلامی، اساتید دانشگاه، اعضای پژوهشگاه علوم انسانی، دانشجویان و علاقمندان به این حوزه برگزار شد، خانم دکتر شیوا مدرسزاده با بیان اینکه «توانمند شدن سیاسی» به معنای فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی است، افزایش «مشارکت سیاسی» در سطح تصمیم‌سازی را یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توانمند شدن سیاسی برشمرد و افزود: «در نگاهی کلی توانمند شدن سیاسی عبارت است از «درگیر شدن توده مردم در فعالیت‌های مختلف به ویژه سیاسی و تأثیرگذاری در تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می‌یابد».

دکتر مدرسزاده یکی از گروه‌های اجتماعی در میان زنان توانمند را نخبگان سیاسی نظیر زنان حاضر در قوای مقننه و مجریه دانست که دارای موقعیت‌های برجسته اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستند و عنوان کرد: «به نظر می‌رسد زنانی که در عرصه سیاست وارد می‌شوند، از ظرفیت‌ها و موقعیت‌های بارزتری نسبت به سایر زنان برخوردار هستند چرا که این گروه، زنانی هستند که معمولاً از اکثر ابعاد توانمندی برخوردارند و قدرت کسب سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مادی، اطلاعاتی و فرهنگی را از منابع و ظرفیت‌های نهفته در خانواده و نهادهای اجتماعی کسب کرده‌اند. در گزارش شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد، بُعد توانمند شدن سیاسی به شکاف جنسیتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری سیاسی توجه دارد و از طریق بررسی نسبت میان زنان و مردان در مؤلفه‌هایی چون موقعیت وزارتی، جایگاه پارلمانی و سنوات در اختیارداشتن مهم‌ترین مقامات اجرایی، نظیر ریاست جمهوری و نخست‌وزیری در نیم قرن اخیر مشخص می‌شود. بر مبنای گزارش شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۲ تنها ۲۰ درصد از شکاف جنسیتی جهانی توانمندشدن سیاسی برطرف شده و برترین رتبه جهانی در توانمند شدن سیاسی را ایسلند با ۷۳ درصد و برترین رتبه آسیایی را بنگلادش با ۳۸ درصد کسب کرده‌اند؛ در پایین‌ترین رتبه نیز عربستان، قطر و برونی با صفر درصد قرار دارند؛ در بین کشورهای خاورمیانه، پاکستان با ۱۶ درصد، پیشتاز توانمندشدن سیاسی بوده و به همراه الجزایر، امارات، ترکیه، سوریه، بحرین، ارمنستان و آذربایجان، جایگاهی برتر از ایران داراست و به موجب این گزارش ایران تنها ۵/۳ درصد از شکاف جنسیتی توانمندشدن سیاسی را رفع کرده است و در رتبه ۱۲۷ از میان ۱۴۵ کشور جهان قرار داشته است ولی در گزارش شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۷ به رتبه ۱۴۰ سقوط کرده است».

دکتر مدرسزاده در ادامه افزود: «با وجود آنکه در سال‌های اخیر در ایران، کارهای وسیعی در عرصه توانمندشدن و مشارکت سیاسی زنان انجام شده ولی هیچگاه یک الگو یا مدل منسجم و بومی که برآمده از افکار، تجربیات و گفتار این گروه از زنان باشد، ارائه نشده و شناخت دقیقی از موانع، چالش‌ها و امکانات زنان نخبه سیاسی به دست نیامده است؛ در نتیجه پژوهش انجام شده، با هدف پاسخ به این پرسش‌های کلی صورت گرفت که فرآیند توانمندشدن سیاسی زنان نخبه، بر اساس روایت‌شان از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و مدل بومی توانمند شدن سیاسی زنان در ایران چگونه بازنمایی می‌شود؟»

وی یکی از بهترین روش‌ها برای پاسخ به این پرسش‌ها را مطالعه نمونه‌ها و موارد موجود در جامعه دانست و بر این اساس جامعه آماری پژوهش خود را از میان زنان صاحب منصب در سطوح وزارت، معاونت ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی تشکیل داده است؛ روش پژوهش ایشان کیفی و مبتنی بر رویکردی اکتشافی بوده است و سعی داشته است تا با تحلیل ۲۹ مصاحبه روایی برآمده از تحلیل روایت، به ارایه مدلی برای توانمندشدن سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران نایل آید.

دکتر مدرسزاده در جمع‌بندی پژوهش خود بیان داشت: «براساس یافته‌های پژوهش مشخص شد که توانمندشدن سیاسی این زنان، مبتنی بر دو الگوی «تحرك اجتماعی سیاسی وابسته به کنشگری و امتیازات شخصی» و «تحرك اجتماعی سیاسی وابسته به خویشاوندی» است و هر یک از این دو الگو، بر اساس ایدئولوژی حاکم و نهفته در احزاب، باز یا بسته بودن سیستم حکومتی و عاملیت زنان در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به دو دسته «همگرایانه» و «واگرایانه» تقسیم می‌شود؛ در مدل اول، تحرك اجتماعی سیاسی وابسته به کنشگری و امتیازات شخصی زنان از مجاری رسمی سیاسی همگرایانه ۱۱ زن و از مجاری رسمی سیاسی واگرایانه ۴ زن نخبه سیاسی را در بر می‌گیرد و زنان نخبه سیاسی در این مدل ویژگی‌های نظیر عاملیت، کسب تخصص دانشگاهی، فعالیت‌های علمی و مدنی، عضویت در احزاب و دسترسی به شخصیت‌های مهم اجتماعی و سیاسی، شبکه‌سازی در میان افراد صاحب منصب و حفظ مناسبات با اشخاصی که نفوذ سیاسی را دارا هستند».







در مدل دوم، تحرک اجتماعی سیاسی وابسته به خویشاوندی و برخورداری از حمایت گروه‌های منزلتی زنان از مجاری رسمی سیاسی هم‌گرایانه ۱۰ زن و از مجاری رسمی سیاسی واگرایانه و ۴ زن نخبه سیاسی را در برمی‌گیرد و زنان نخبه سیاسی در این مدل از ویژگی‌های نظیر تعلق به گروه‌های منزلتی، کسب تخصص حوزوی و علوم اسلامی، عضویت و فعالیت در بسیج و احزاب سیاسی، حمایت شبکه اجتماعی، حمایت اطلاعاتی برخوردارند. زنان نخبه سیاسی، در مسیر توانمندشدن سیاسی‌شان از ویژگی‌های مشترکی نظیر زمینه‌ای و خویشاوندی، اجتماعی، مشارکت سیاسی و توزیع منابع مؤثر بر آن متأثر می‌گردند که از این میان، عوامل طبقه و پایگاه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگ سیاسی، عضویت در سازمان‌های مدنی، حمایت شبکه‌های اجتماعی، حمایت اطلاعاتی و دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و نمادین، بیشترین اثرگذاری را بر زنان نخبه سیاسی و توانمندشدن آن‌ها دارد.

دکتر مدرس‌زاده تحلیل ساختاری از متن مصاحبه‌ها را موجب آن دانست که پژوهشگر عوامل مؤثر بر توانمندشدن سیاسی زنان نظیر عوامل و محرک‌های درونی و فردی (شامل عاملیت، خاستگاه اجتماعی فرد و خانواده، جامعه‌پذیری سیاسی، منابع موجود در دسترس زنان، کسب تخصص دانشگاهی، فعالیت‌های علمی و مدنی، عضویت در احزاب و دسترسی به شخصیت‌های مهم اجتماعی و سیاسی، تعلق به گروه‌های منزلتی، کسب تخصص حوزوی و علوم اسلامی، عضویت و فعالیت در بسیج و احزاب سیاسی) و عوامل و محرک‌های بیرونی و اجتماعی (شامل حفظ مناسبات با افراد صاحب‌منصب و اشخاصی که نفوذ سیاسی دارند، حمایت شبکه اجتماعی، حمایت اطلاعاتی، آگاهی سیاسی، فرهنگ سیاسی، قرائت‌های گوناگون از مذهب، ایدئولوژی سیاسی در قالب گرایش به احزاب سیاسی، همگرایی و اگرایی ساختار سیاسی) را بازشناسد و آن را در ترسیم مدل نظری مبتنی بر میدان بکار ببرد؛ بر مبنای عوامل اشاره شده، زنان صاحب‌منصب در ایران، توانمند شدن سیاسی را در ایجاد شبکه‌ای از روابط و مناسبات سیاسی با اشخاص صاحب نفوذ برای کسب قدرت در سطوح کلان سیاست تعریف می‌کنند و معتقدند با افزایش مشارکت سیاسی، زنان می‌توانند برای حذف تبعیض علیه خود و مبارزه برای کسب حقوق برابر در تمامی عرصه‌ها، تلاش کنند و بر این اساس تعریف بومیان گروه از زنان از توانمندشدن سیاسی در ایران با تعریف ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی سازمان ملل متحد اختلاف دارد چراکه فرآیند توانمندشدن سیاسی زنان ایرانی پس از انقلاب اسلامی، از قدرت با هم بودن یا قدرت تعاملی حاصل می‌گردد و زمینه‌ها و بسترهای محیطی از اهمیت بیشتری نسبت به ویژگی‌های فردی و قدرت درونی زنان برخوردار است.

دکتر مدرس‌زاده، بر اساس یافته‌های اختصاصی مبنی بر تفاوت‌ها و تمایزات میان روایت‌های زنان نخبه سیاسی، گفت که توانمندشدن زنان ایرانی در عرصه سیاست با «فرآیند مشترک ارتقای فردی، مشارکت در سطح خانوادگی، محلی و افزایش آگاهی فردی که گاه به اقدام اجتماعی نیز منجر می‌شود» معادل است و در ایران بعد از سپری شدن نزدیک به چهار دهه از وقوع انقلاب، آن‌چنان که شایسته است، سهمی از پست‌های ارشد نظام برای زنان منظور نشده است و وجود چنین تفاوت و شکاف جنسیتی معناداری در سیر تاریخی توانمندشدن سیاسی زنان ایرانی را می‌توان در سه تلقی متفاوت از سه عنصر عاملیت، دسترسی به منابع و ساختارهای فرصت رسمی و غیر رسمی مشاهده کرد.

## گزارش جلسه بررسی و نقد کتاب «تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها»

جلسه بررسی و نقد کتاب «تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها» عصر شنبه پنجم اسفندماه ۱۳۹۶ در تالار اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور جمعی از علاقه‌مندان به حوزه تاریخ و پژوهش‌های سکه‌شناسی برگزار شد.

پژوهشکده علوم تاریخی بعد از وقفه‌ای چند ساله در برگزاری سلسله نشست‌های سکه‌شناسی، این مجموعه نشست‌ها را از سر گرفته است و این برنامه یازدهمین نشست از این مجموعه بود که با حضور مؤلف و دو نفر از استادان پژوهشگاه به بررسی و نقد یکی از جدیدترین کتاب‌های منتشر شده در حوزه مطالعات سکه‌شناختی در عصر باستان تاریخ ایران پرداختند. مؤلف اثر مهندس جلال دیلمقانی که از صاحب‌نظران پیشکسوت در حوزه شناخت و بررسی سکه‌ها هستند، سالیان متمادی است که به صورت پژوهشگر آزاد در این زمینه فعالیت‌های علمی را صورت داده‌اند و بعد از سال‌ها انتشار مقاله و ایراد سخنرانی‌های مربوط به سکه‌های ایران و به‌ویژه سکه‌های دوران اشکانی، برای آشنایی هرچه بیشتر اقشار گوناگون جامعه ایران با گوشه‌هایی از تاریخ طولانی اشکانیان که کمتر به آن توجه شده است، اقدام به تألیف این اثر کردند.

دیلمقانی به عنوان نخستین سخنران نشست ضمن شرح ماجرای آشنایی خود با حوزه سکه‌های دوره اشکانیان و دلایل نگارش این اثر، به تشریح مهم‌ترین ویژگی‌ها و مختصات سکه‌ها و همچنین معرفی شهریاران این دوره طولانی از تاریخ ایران پرداخت و از کمبود و کاستی‌های اطلاعات موجود در منابع مکتوب باستانی این دوره و لزوم بهره‌گیری از سایر منابع از جمله یافته‌های باستان‌شناسانه و همچنین داده‌های سکه‌شناسی برای پرکردن خلأهای اطلاعاتی این دوران گفت. وی در پایان از مهمترین ممیزه‌های کتاب تألیفی خودشان در مقایسه با سایر کتاب‌های تاریخ و سکه‌شناسانه این دوره بیان کرد.

در ادامه دکتر نصراله زاده دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه، ضمن اشاره به مهم‌ترین منابع اطلاعاتی مکتوب برای تاریخ دوره اشکانی و پیشینه مطالعات سکه‌شناسی در جهان به اهمیت استفاده از سکه‌ها برای کسب اطلاعات جدید از ادوار گوناگون تاریخ ایران و به‌ویژه دوران اشکانیان که کاستی منابع در این دوره بیش از سایر ادوار تاریخی است، سخن گفت و بر این موضوع تأکید کرد که این آشنایی بیشتر با تحولات دوره اشکانی پیشینه هویتی جدیدی برای ایران به همراه آورد. در پایان نیز برخی شاخصه‌های مهم کتاب را برشمرد و از جمله به کیفیت خوب و جالب عکس‌های اثر اشاره کرد.

سخنران پایانی دکتر صفورا برومند، استادیار پژوهشکده علوم تاریخی که اداره جلسه را نیز بر عهده داشت، سخنان خود را با توضیح سابقه آشنایی با مهندس دیلمقانی و سرآغاز آشنایی‌شان با سکه‌های اشکانی در دهه‌های پیش شروع کرد. وی ضمن اشاره به دشواری‌های پژوهش در حوزه مطالعات اشکانی و گستره وسیع و پیچیدگی‌های خاص این دوره از تاریخ ایران باستان، به تعداد و کیفیت به نسبت مناسب سکه‌های این دوره در مقایسه با سایر دوره‌ها پرداخت و افزود یک ویژگی مهم کتاب «تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها» همانا روانی و سادگی ارزشمند اثر در ذکر وقایع و تحولات تاریخی آن دوره است که نمونه‌های خارجی موفق‌تری از این نوع نگارش را سراغ داریم و

خوب است که در ایران نیز از این شیوه‌های جدید برای شرح تاریخ استفاده کنیم. وی در پایان برخی نکات ظریف ولی مهم را که نیازمند اصلاح و ارتقاء در چاپ‌های بعدی اثر دارند را برشمرد.

پایان‌بخش این نشست دو ساعته پرسش و پاسخ حاضران با مهندس دیلمقانی و استادان حاضر در جلسه بود، از جمله شریعت‌زاده، مدیر نشر پازینه بود که انتشار این کتاب را در سال ۱۳۹۶ به انجام رسانیده بود. وی توضیحاتی درباره این کتاب و اثر دیگری که از مهندس دیلمقانی درباره اشکانیان در دست انتشار دارد، ارائه کرد.





## گزارش جلسه بررسی و نقد کتاب «تاریخ پولی ایران: از صفویه تا قاجاریه»

جلسه بررسی و نقد کتاب «تاریخ پولی ایران: از صفویه تا قاجاریه» در تاریخ چهارشنبه ۱۶ اسفندماه سال ۱۳۹۶ در تالار اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور جمعی از دانشجویان، استادان و علاقه‌مندان به حوزه تاریخ و مطالعات اقتصادی برگزار شد.

این کتاب که به وسیله سه متخصص حوزه تحولات اقتصادی تاریخ ایران، آقایان رودی متی، ویلم فلور و پاتریک کلاوسون به نگارش درآمده است. در ابتدای سال ۱۳۹۶ با ترجمه دکتر جواد عباسی بوسیله نشر نامک منتشر شد. پژوهشکده علوم تاریخی در راستای اهداف راهبردی خود در معرفی، بررسی و نقد آثار مهم و تازه انتشار یافته در حوزه تاریخ و مطالعات بین‌رشته‌ای با همکاری گروه تاریخ شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه اقدام به برگزاری این نشست کرد. در ابتدا دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، معاونت اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه که عضو گروه تاریخ شورای بررسی متون نیز هستند ضمن خوشامدگویی به حاضران و به‌ویژه استادان میهمان از دانشگاه فردوسی مشهد از دکتر عباسی به عنوان مترجم اثر به عنوان آغازگر جلسه دعوت کردند تا درباره جایگاه این کتاب و دلایل انتخاب آن برای ترجمه مطالبی بیان کند.

دکتر جواد عباسی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، از پیشینه آشنایی خود با این کتاب در چهل و هشتمین مطالعات خاورمیانه در سال ۲۰۱۳ در کشور آمریکا گفت و چگونگی پیشنهاد ترجمه اثر و نحوه انجام آن را شرح دادند و به برخی جلساتی که تاکنون درباره معرفی و نقد این اثر در مشهد برگزار شده است، اشاره کرد. در ادامه دکتر رحیم ربانی‌زاده، به ارائه نظرات و آرای خود درباره اثر پرداخت. وی ضمن ارائه توضیحاتی درباره پیشینه پیدایش پول و سکه در ایران و جهان اسلام از جمله خلافت عباسی به مهم‌ترین تحولات طی شده در این زمینه در طول تاریخ ایران تا دوره صفویه که دوره مورد بررسی کتاب است اشاره کردند و با طرح سؤالاتی درباره مشکلات اقتصادی ایران در ادوار تاریخی بعدی به توضیح درباره اهمیت و جایگاه کتاب پرداختند و از خلاءهای موجود در فقدان کتاب‌های تخصصی در زمینه بررسی نظام‌های پولی و اقتصادی ایران گفتند و افزودند این اثر به دلیل اتخاذ رویکردی کاملاً تخصصی برای خوانندگان عام دارای جذابیت اندکی است.

دکتر صفورا برومند، استادیار پژوهشکده علوم تاریخی که در زمینه سکه‌های ادوار تاریخ ایران فعالیت‌های پژوهشی گوناگونی صورت داده‌اند به ارائه نظر درباره کتاب پرداخت و ضمن اشاره به اهمیت چنین پژوهش‌هایی در نمایان ساختن هرچه بیشتر تداوم و مشکلات در ساحت برنامه‌ریزی و تکرار سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و پولی در ایران از چند سده گذشته تاکنون، محورهای بخش یکم کتاب که به دوره صفوی اختصاص داشت را به اجمال برشمرد. تأکید وی بر اهمیت موضوع واردات و صادرات شمش در این دوران بود که همچنان نیازمند بررسی و پژوهش‌های تکمیلی است. دکتر برومند ضمن اشاره به عدم استفاده از داده‌های سکه‌شناختی برای تحلیل تحولات اقتصادی و پولی ایران به ضرورت فعالیت‌های بین‌رشته‌ای در این حوزه و با استفاده از متخصصان گوناگون تأکید کرد و افزودند اینگونه شاید بتوان آثار ارزشمند و جدیدی تألیف کرد. وی در پایان ضمن ارائه نقدهایی بر برخی داده‌های ارائه شده در اثر که فاقد تحلیل‌های لازم هستند، پیشنهادهایی را برای ارتقای اثر ارائه کردند. آقای دکتر عباسی ضمن استقبال از مجموعه پیشنهادها ارائه شده بوسیله

ناقدان در این جلسه گفتند: «شاید برای نخستین بار بتوان طرحی نو ارائه کرد و چنانچه مؤلف یا مؤلفان بنای بر تجدید نظر در اثر خود را داشته باشند بتوان از پیشنهادها ارائه شده برای بازبینی و اصلاح و ارتقاء کار براساس بازخورد ترجمه یک اثر استفاده کرد».

در پایان برخی اعضای صاحب نظر در جلسه از جمله دکتر محمدتقی ایمان‌پور استاد گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد و آقای فریدون شیرین‌کام از متخصصان تاریخ اقتصادی ایران، پیرامون کتاب و موضوعات مطرح شده در آن نکاتی را طرح کردند.



## بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه‌های ایرانیان در اوایل دوره قاجار (با تأکید بر چهار سفرنامه مشهور)



نشست  
«بازتاب  
غرب و  
مدرنیته در  
سفرنامه‌های  
ایرانیان در  
اوایل دوره قاجار»  
به همت پژوهشکده  
اندیشه‌سیاسی  
با سخنرانی فرهاد  
زیویار در تاریخ ۵  
اسفند ۹۶ برگزار  
شد.  
در ادامه گزارشی از این  
نشست را می‌خوانید:  
دوره قاجار به دلیل  
رویاری جدی ایران

نقش آن نسل از نخبگان ایرانی که غرب و الگوهای  
مورد نظر و عمل آن را از نزدیک درک کرده بودند  
غیرقابل کتمان است. به عنوان مثال اندیشه‌های  
مربوط به آزادی‌خواهی، دموکراسی، قانون  
اساسی و پارلمانتاریسم، نحوه تجارت  
و توسعه‌طلبی و حتی حیرت در  
مواجهه با ترقیات اروپا، نخستین  
بار از طریق همین افراد و  
سفرنامه‌های مربوط به  
آنها به ایران منتقل شد  
که مورد توجه این  
پژوهش قرار گرفته  
است.

و جهان غرب دارای ویژگی‌های خاصی است. اولین  
مواجهه جدی ایران با جهان غرب در دوره قاجار و در  
جنگ با روسیه و بعد از آن اتفاق افتاد و این دوره‌ای است  
که هر دو طرف (ایران و غرب جدید) در این مواجهه شرایطی  
خاص را تجربه می‌کردند، از یک طرف رقابت و کشمکش‌های  
موجود شرایط داخلی ایران را بعد از فروپاشی خاندان صفوی چندین دهه  
دچار مشکل کرد و از طرف دیگر موضوع و پدیده غرب بود که بعد از دوره  
رنسانس جهان را در وضعیتی جدید قرار داده که صرفاً به فکر بسط قدرت خود در  
حوزه‌های اقتصادی نبود بلکه برای تحکیم و تداوم سلطه خود سعی داشت فرهنگ  
خود را نیز به شرق و بالاخص ایران تحمیل کند. ایرانیان بعد از جنگ و شکست از روسیه  
وقوف پیدا کرده بودند که به مراتب در شرایطی نابرابر قرار گرفته‌اند. بازخوانی دستاوردهای  
مثبت و منفی نسل‌های ایرانی و متون برجای مانده در آن دوره دست مایه و عبرت آموزی‌های  
فراوانی را برای دوره معاصر در پی دارد.

در این پژوهش چهار سفرنامه که ابزار مطالعاتی مناسبی در جهت بازخوانی نحوه و مبادی نگرش  
روشنفکران نسل اول در این دوره قلمداد می‌گردد، بررسی شده و نقاط قوت و کاستی‌ها و نقاط ضعف آن  
مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. اینکه تا چه حد مورد عبرت قرار گرفتند مسأله‌ای اساسی است  
که در ارزیابی سفرنامه‌های چهارگانه (میرزا ابوالحسن، عبداللطیف شوشتری، میرزا صالح شیرازی و عبدالفتاح  
گرمودی) در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

با کمی واکاوی و مذاقه در رویکرد این سفرنامه‌ها و تلاش‌های اولیه و ظرفیت فکری و علمی و مناسبات سیاسی این  
چند نفر به عنوان بخشی از اولین نمایندگان گفتمان جریان تجددگرا که در این مواجهه قرار گرفته‌اند برداشت و نحوه  
ورود موج روشنفکری اروپا مشخص می‌گردد. تأکید می‌کنم یکی از شاخصه‌های مهم آن علم باوری و تجربه‌گرایی بود  
در فضای شکست ایرانیان در اولین مواجهه با غرب جدید (جنگ‌های ایران و روسیه) و انعکاس این قضایا در اولین دریافت‌های  
پیشگامان این گفتمان آنچنان حایز اهمیت بوده که به عنوان یک سکو و نقطه عطفی برای مراحل بعد تاریخ تحولات ایران است.







علی‌ایحال چون چهار اثر مورد اشاره در این پژوهش به صورت خاص یک ابزار مطالعاتی مناسب در بازخوانی نحوه و مبادی نگرش روشنفکران نسل اول قلمداد می‌گردد، از اینرو تمرکز و تحقیق در خصوص آرا و ایده‌های این سفرنامه نویسان در برابر پیشرفت‌های شگرف غربیان، دریچه توجه این چند نفر به دستاوردهای علمی اروپا و توسعه طلبی‌های استعمارگرایانه آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این پژوهش علاوه بر ذکر مزیت‌هایی که این سفرنامه‌ها نسبت به سایر متون باقیمانده هم‌دوره خود دارد؛ نقاط ضعف و کاستی‌های این منابع نیز مورد واکاوی قرار گرفته است. نقاطی که نه تنها مورد عبرت واقع نشده بلکه در ادوار بعد تاریخ تحولات ایران و در شرایط کنونی نیز به صورت مزمن تداوم داشته‌اند.

در بررسی و پژوهشی که راجع به این سفرنامه‌ها صورت گرفته شده، نکته‌ای که ذکرش حتماً ضروری است که این سفرنامه‌ها علی‌رغم خصوصیات مشترکی که دارند با یک رویکرد و ظرفیت یکسان به نگارش درنیامده‌اند چرا که نویسندگان آنها از جهات علمی، اندیشه‌ای و حتی سیاسی از وزن واحدی برخوردار نبوده و نیستند، شخصیت‌ها و نویسندگان این سفرنامه‌ها هم نمایندگان خاستگاه‌های فکری و پایگاه‌های اجتماعی متفاوتی هستند و اگر از وضعیت روشن‌منش و رفتارها و مناسبات سیاسی و خانوادگی میرزا ابوالحسن بگذریم افرادی چون عبداللطیف شوشتری (با تفاوت‌های اساسی که از جهات مختلف با بقیه سفرنامه نویسان دارند) به صورت مستقل و خارج از چارچوب هیأت حاکمه در مواجهه و تعامل با مدرنیته (کمپانی هندشرقی و انگلستان) قرار دارند، ورود و اثرگذاری‌های آنها در حوزه سیاست ایران و یا در مناسبات نخبگی که حتی به نحوی در نظام فکری شغلی غرب و مدرنیته به استخدام درآمد، اختلاف نسبتاً بارزی با نگرش افرادی چون میرزا صالح شیرازی و آجودان باشی دارند که به صورت رسمی و در قالب ماموریت دولتی در کنش یا مواجهه با غرب قرار گرفتند، ای بسا که صرفاً عدم توجه به ریشه و بنیادهای تحولات شکل گرفته در غرب موجب عجز آنها در درک اساسی این مقوله شده است. اگرچه در برخی از این سفرنامه‌ها به نحوی تحولات سیاسی - اجتماعی غرب مورد کاوش و توجه قرار گرفته است اما هرگز نتوانسته از عهده پیش‌فرض‌ها و تحلیل چرایی و چگونگی این تحولات بربیاید و صرفاً تاریخ تحولات را مدنظر قرار داده و بسنده کردن به همین اندازه پشتوانه علمی قابل اعتمادی ارائه نمی‌کند.

علی‌ایحال اگر در صدد باشیم بعد از حدود دو‌یست سال، خاستگاه و اثرگذاری این افراد و آثار مربوط به آنها را در جریان‌شناسی و فضای آن دوره تجزیه و تحلیل نمائیم؛ طیف‌های مختلفی از جریان‌ها، گروه‌ها و حتی افراد به صورت مثبت و منفی مطرح می‌شوند اما با عنایت به اینکه رویکرد این پژوهش فارغ از نگاه مثبت و منفی به این جریان‌ها است می‌توان گفت که در دو سده اخیر پیوستی در توجه به این تجربیات هرچند ناقص در حوزه سفرنامه نویسی وجود نداشته و هیچگاه در حافظه تاریخی و توجه ایرانیان، ظرفیت‌ها و حتی تفوق غرب به صورت ماهوی با عطف توجه به کارنامه، رویکردها و آثار این شخصیت‌ها کنکاش نشده است.

مثال‌های  
تاریخی

فراوانی در

دست است که

نشان می‌دهد برخی

از نخبگان سیاسی

آن دوره در مواجهه با

غرب، تنها به شناخت در

حد دانستن اطلاعات و اخبار

صرف به صورت ظاهری بسنده

کرده‌اند اگرچه جریان‌های اصیلی

هم بودند که با تکیه به سنت‌ها،

هنجارهای فرهنگی و داشته‌های بومی در

این مواجهات با نسبت‌های متفاوتی به دنبال

تجدید قوا و هویت‌یابی دینی و ملی باشند

که در مبحثی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

اما افراد و جریان‌هایی هم با حیرت‌زدگی همه‌چیز

را از دست رفته می‌دانستند و با مواجهه با این قدرت

سهمگین نسخه تقلید همه جانبه و از فرق سر تا نوک پا را

پیشنهاد می‌کردند.

به هر تقدیر آنچه از خواندن این سفرنامه‌ها به ذهن‌های متبادر

می‌شود این است که با وجود آنکه این سفرنامه نویسان تصویر

نسبتاً دقیقی از ظواهر تمدن غرب در وجوه مختلف نشان داده‌اند لیکن

این آثار علمی هیچ‌گاه به صورت متسلسل و پیشینه تاریخی، به صورت

شایسته و مطلوبی دست مایه تحقیقات بعدی قرار نگرفته و به علت عدم

توجه کافی به بنیان‌های فکری غرب جدید، صرفاً به همان ظواهر بسنده کرده

و به عمق، ریشه، خاستگاه و فرآیندهای این مباحث اشاره نمی‌کنند. و همان‌گونه

که در متن هم اشاره شد، در واقع نحوه نگرش و یا ساز و کارهایی که این سفرنامه

نویسان را در مواجهه و یا کنش با غرب قرار داده، تعمقی در شناخت پیوندهای اساسی

و پیچیده‌ای که بین دو رویه تمدن غرب (مدرنیته) یعنی دانش و کارشناسی که در نتیجه

مرارت های علمی و زحمات اهل علم مغرب زمین به بار نشسته است و رویه استعماری که

در آن وجود داشته، حاصل نشده است و چون برخی از این افراد دانسته یا ندانسته به‌نحوی در

خدمت آن قرار گرفته‌اند نتیجتاً ترفندها و خطراتی که از جانب طرف غربی و استعماری متوجه

ایران و سایر بلاد شرق (کشورهای مسلمان) بوده، در این نوشته‌ها به صورت ساده قابل واکاوی

نخواهند بود و حتماً بررسی دقیق و متعمقانه لازم دارد.



## نشست نقد و بررسی کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد»

نشست نقد و بررسی کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» به همت پژوهشکده اندیشه سیاسی انقلاب و تمدن اسلامی با سخنرانی دکتر فرهاد زیویار، دکتر موسی نجفی، دکتر عبدالرحمن حسنی فر و دکتر سیدرضا حسینی در تاریخ ۱۲ اسفند ۹۶، سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار شد.

این کتاب به اهمیت شناخت تاریخ استعمار و نحوه عملکرد نیروهای خارجی می‌پردازد. حوادث این کتاب با اواخر دوره قاجاریه در ایران مصادف است. زمانی است که از سه امپراطوری ایران (صفویه- گورکانی و عثمانی) امپراطوری عثمانی باقی مانده و کشورهای خارجی (فرانسه، آلمان و انگلیس) نقش تعیین کننده در منطقه داشته و به دنبال تأمین منافع هستند. کتاب تحولات جهانی را، پیش از جنگ جهانی اول شروع می‌کند و مهم‌ترین مسأله کتاب چگونگی فروپاشی امپراطوری عثمانی و تغییر موازنه قدرت در شرق و غرب و شکل‌گیری حکومت‌های جدید در جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) است. در این تغییر و تحولات چگونگی اضمحلال امپراطوری بریتانیا نیز به تصویر کشیده شده است. بریتانیا با اشغال نظامی کشورهای هند و مصر مهم‌ترین سیاست خود را بر این اساس استوار کرده است تا مانع حضور دیگر کشورها و به خطر افتادن منافع بریتانیا در این مناطق شود، با چنین رویکردی بریتانیا از خلافت عثمانی و تمامیت ارضی آن حمایت می‌کند.



فاصله گرفتن از عثمانی و عدم توجه به نقش عثمانی‌ها در جنگ جهانی اول و تغییر رویکرد بریتانیا از حمایت از تمامیت ارضی به تقسیم عثمانی به عنوان غنایم جنگی، زمینه‌ساز تحولات گسترده‌ای می‌شود که تحت تاثیر این تحولات به‌رغم تصور انگلیسی‌ها، عثمانی همراه با اتحاد با آلمان در مقابل حملات متفقین دفاع نموده و فرسایشی شدن جنگ را موجب می‌شود. فرسایشی شدن جنگ تحولات گسترده‌ای به دنبال داشت.

- فروپاشی امپراطوری روسیه تزاری و روی کار آمدن بلشویک‌ها
- حضور آمریکا در جنگ در کنار متفقین و تقویت منابع مادی آنها
- گسترش صنعت جنگی
- تغییر دولت‌های متفقین به واسطه تضعیف موقعیت آنها در افکار عمومی
- مهم شدن جمعیت‌ها و جنبش‌هایی که می‌توانستند در پشت جبهه آلمان و عثمانی موجب تضعیف موقعیت آنها شوند.
- (یهودیان اعراب) به خصوص حمایت از اعراب و شخصیت‌هایی که توانایی جلب حمایت اعراب در پشت جبهه عثمانی را داشتند. به‌رغم آنچه در فیلم لارنس عربستان به تصویر کشیده شده، براساس گزارش این کتاب لشگری که لارنس و فیصل در حمایت از متفقین به میدان آوردند لشگری ایلاتی بودند که به واسطه طلاهای بسیار و مبالغ سنگینی که بریتانیا در آنجا هزینه کرد به میدان آمدند و در تغییر و تحولات اصلی جبهه‌های جنگ نیز تاثیر چشمگیری نداشتند.





- مهم شدن جنبش صهیونیسم و حمایت از آن به جهت تصور غلط انگلیسی‌ها مبنی بر اینکه جنبش صهیونیسم بسیار گسترده و فراگیر است، می‌تواند هم در پشت جبهه دشمن و هم در افکار عمومی متفکین تأثیرات مهمی را به دنبال داشته باشد. در حالیکه به گزارش کتاب پس از اعلامیه بالفور این جنبش تقویت شد و توانست در تحولات بعدی سهمی از بریتانیا در فلسطین طلب کند. البته نقش شخصیت لوید جورج، نخست وزیر بریتانیا، را هم که زمانی به عنوان وکیل این جنبش بوده و ضمناً اعتقادات مذهبی مبنی بر کتاب مقدس داشته را نیز در حمایت از این جنبش و صدور اعلامیه بالفور نباید نادیده گرفت.

در نهایت شکست ناگهانی بلغارستان توسط فرانسه موجب پایان جنگ شد و بریتانیا بسیاری از قسمت‌های عثمانی از جمله بین‌النهرین، سوریه و فلسطین را اشغال کرد اما به واسطه عدم توانایی در تداوم اشغال نظامی بلندمدت و خروج نیروها از منطقه و طولانی شدن مذاکرات صلح و مهمتر از همه، افزایش آگاهی‌های سیاسی مردم، شورش‌هایی در مناطق اشغالی ایجاد شد که بریتانیا به دشواری توانست آنها را مهار کند.

نویسنده معتقد است بازیگران خارجی و خصوصاً بریتانیا در تصمیم‌ها و نقشه‌هایی که برای منطقه خاورمیانه و عثمانی داشتند، به شکاف‌های قومی و مذهبی توجه نداشته و ضمناً تنها موضوعی که برای آنها مطرح نبوده سرنوشت و خواست مردم منطقه بوده، علاوه بر این تحمیل تغییرات غیرطبیعی از نظر نویسنده موجب شد که از آن زمان (جنگ جهانی اول) تاکنون، خاورمیانه روی آرامش را نبیند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که نگارنده کتاب در پایان ذکر می‌کند این است که اشغالگری اروپا در آسیا با همه جای دنیا تفاوت داشت. در همه جا ساختارهای بومی منهدم شد و ساختار اروپایی که همان نظام سیاسی سکولار غیرنظامی بود، جایگزین شد، مثل آمریکا، استرالیا و ... اما خاورمیانه وارث تمدن‌های باستانی و باورهای ریشه دار بود و بیش از هزار سال به شریعتی معتقد بود که ناظر به همه شئون زندگی از جمله حکومت و سیاست بوده لذا به راحتی قابل تغییر نبود. همین عامل موجب «بحران مشروعیت» برای دولت‌ها و دولتمردان در طی قرن اخیر شده است.

تحلیل دیگر نویسنده از وضعیت کنونی منطقه این است که خاورمیانه وضعیتی همانند قرن پنجم اروپا دارد. در قرن پنجم که امپراطوری رم سقوط کرد، پانزده قرن طول کشید که غرب به ثبات سیاسی برسد و اکنون که خاورمیانه با سقوط عثمانی مواجه شده، بحران سیاسی و اجتماعی و نهایتاً تمدنی موجب نا آرامی و عدم ثبات مستمر در منطقه شده است.

این کتاب ضرورت طراحی مدل «فرایند قدرت یابی و کاهش قدرت ملی و بین‌المللی» را نشان می‌دهد. از طرفی با توجه به تحولات جدید منطقه، این کتاب می‌تواند تصویر آینده خاورمیانه را نشان دهد.

ایران در برخورد با نیروهای خارجی معمولاً سه نوع سیاست داشته است: موازنه مثبت، موازنه منفی و نیروی سوم. موازنه مثبت که سیاستی خائنه و امتیازدهی به نیروهای مختلف است؛ همانند امتیازهای استعماری به روس و انگلیس. موازنه منفی همان سیاست نه شرقی و نه غربی ایران و ندادن امتیاز به هیچ‌کدام از قدرت‌هاست و نهایتاً سیاست نیروی سوم، معتقد است به دو نیروی اصلی امتیاز داده نمی‌شود ولی با امتیاز و تمایل به نیروی سومی، دو نیروی اول را تعدیل می‌کند. در تاریخ روابط ایران، مصدق و برخی دیگر قائل به این سیاست بودند و کشور سوم هم معمولاً آلمان، فرانسه و یا آمریکا بوده است. این کتاب نشان می‌دهد که قدرت‌های خارجی هیچ‌وقت به نفع ملت‌ها از منافع خود صرف نظر نمی‌کنند و به عنوان مثال به ترک‌های جوان اشاره می‌کند که به‌رغم اعتماد به آلمان‌ها، نهایتاً با شکست مواجه شدند. یکی از علت‌های شکست ترک‌ها، عدم توجه به تحول استعمارگری از «کهنه» به «نو» بود و اگر اکنون به تغییر آن به «فرانو» توجه نشود، همان نتیجه را خواهد داشت.

گاهی اوقات شایستگی افراد به اندازه بختشان بالا نیست و صاحب‌منصبانی می‌شوند که شایستگی آن را ندارند و این موجب فاجعه برای ملت‌ها می‌شود. سیاست‌مدارانی که همه تخم مرغ‌هایشان را در یک سبد می‌گذارند، چه قماری بزرگی با ملت‌های خود کرده‌اند. گاهی سیاست‌مداران فکر می‌کنند که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بلکه شرط‌بندی کرده و باید مواظب باشند شرط را نبازند.

درباره نویسنده کتاب: دیوید فرامکین، صرفاً یک حقوق‌دان و یا تاریخ‌نگار مسائل سیاسی و بین‌الملل نیست؛ بلکه استاد دانشگاه‌های نظامی آمریکا و مؤثر در سیاست خارجه آمریکا است. وی در دوره‌های مشاور هامفری، مشاور معاون اول آمریکا در زمان جانسون بود. نوآم چامسکی در مقاله‌ای که در مورد وی نوشته، معتقد است که تز فرامکین، تز تجزیه است و به نقش وی در تجزیه یوگسلاوی اشاره می‌کند.



## سالمندی موفق: مروری بر راهکارهای سلامتی روانی و شناختی سالمندان

نشست «مروری بر راهکارهای سلامتی روانی و روانشناختی» در بهمن ۹۶ عضو هیئت علمی گروه روانشناسی پژوهشکده اخلاق و تربیت با سخنرانی دکتر اسماعیل ناصری برگزار شد.

سالمندی بخش پایانی چرخه حیات انسان است. افراد سالمند قابلیت‌های تجدید قوای محدودی دارند و بیش از دیگر بزرگسالان در معرض بیماری‌های جسمانی و روانی هستند. روند رو به رشد جمعیت سالمندان در جوامع موجب شکل‌گیری رشته‌های تحقیقاتی جدید برای مطالعه آنها شده است. برای نمونه، علم پیری‌شناسی (Gerontology) به مطالعه پزشکی روند پیری، و پیری‌شناسی (Geriatrics) به مطالعه بیماری‌هایی که سالمندان بدان مبتلا می‌شوند، مربوط است.

آمارها نشان می‌دهند در حال حاضر ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار سالمند بالای ۶۰ سال در ایران وجود دارد که این رقم ۳/۸ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود. آلزایمر و پارکینسون از جمله مهم‌ترین بیماری‌های سیستم عصبی دوره سالمندی است که به گفته متخصصان، با توجه به سیر افزایش جمعیت سالمند در ایران در صورت نبود اقدامات پیشگیرانه لازم، در سال‌های آتی شیوع بالایی می‌یابد. همچنین اختلالات اضطرابی شایع‌ترین اختلالات روانی دوران سالمندی هستند. نتایج یک تحقیق بین‌المللی نشان می‌دهد که سرعت پیر شدن افراد با یکدیگر تفاوت بسیار زیادی دارد و روند پیری در سنین متفاوت و با سرعت متفاوت آغاز می‌شود.

امروزه همه در این مورد اتفاق نظر دارند که سالمندی به روش موفق، تنها مربوط به داشتن ژن‌های سالم و یا دسترسی به منابع سالم نمی‌باشد، بلکه سبک زندگی فرد هم بسیار مهم است. در پژوهشی با روش فراتحلیل، عوامل موثر در سلامت روانی سالمندان مورد بررسی قرار گرفتند (عرب زاده، ۱۳۹۵). در روش فراتحلیل نتایج پژوهش‌های کمی گذشته در موضوعی خاص، ترکیب می‌شوند. نتایج این پژوهش نشان داد سرمایه اجتماعی (۴۳ درصد) و فعالیت‌های جسمانی (۳۹ درصد)، بیشترین ارتباط را با سلامت روانی سالمندان دارند. تأهل (۲۳ درصد)، عدم سکونت در سرای سالمندان (۱۹ درصد)، بهزیستی (۱۵ درصد)، وضعیت اقتصادی (۱۲ درصد)، جنسیت (۱۱ درصد)، شیوه‌های مختلف درمانی (۱۰ درصد) و تحصیلات (۹ درصد) از جهت میزان ارتباط با سلامت روانی سالمندان در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. به نظر می‌رسد هر اندازه سالمند از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشد از سلامت روانی مطلوب‌تری برخوردار است. منظور از سرمایه اجتماعی منافع و حمایت‌های گوناگونی (حمایت‌های هیجانی، اطلاعاتی، عملی و مالی) است که در ارتباطات بین فردی از آنها برخوردار می‌شویم. خانواده، خویشاوندان و دوستان از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی هستند. فعالیت جسمانی و ورزش منظم علاوه بر تاثیرات شگرفی که بر سلامت جسمانی سالمندان دارد و از عوامل حفاظت‌کننده بیماری آلزایمر است، موجب گسترش تعاملات بین فردی، افزایش عزت نفس و خودکارآمدی سالمندان می‌شود. رخوت و عدم تحرک برای هر گروه سنی، به‌ویژه سالمندان با پیامدهای منفی بسیاری همراه است.





به نظر می‌رسد سالمندان متأهل در مقایسه با سالمندان تنها از حمایت‌های گوناگون بیشتری برخوردارند که می‌تواند به شکل قابل ملاحظه‌ای با سلامت روانی سالمندان مرتبط باشد. سکونت در سرای سالمندان با سلامت روانی سالمندان رابطه‌ای منفی دارد. به نظر می‌رسد تجربه عدم کنترل بر سبک زندگی خود در سرای سالمندان متغییری تأثیر گذار در سلامت روانی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند سالمندانی که احسال کنترل بیشتری در انتخاب‌های زندگی روزانه‌شان دارند، بیشتر عمر می‌کنند و رضایت بیشتری از زندگی دارند. منظور از بهزیستی داشتن نگرش مثبت نسبت به خود، پذیرفتن جنبه‌های مختلف خود، و داشتن احساس مثبت نسبت به زندگی گذشته خود است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند زنان سالمند آسیب‌پذیرتر هستند و در مقایسه با مردان از حمایت‌های کمتری برخوردارند. همانطور که گفته شد نوع سبک زندگی افراد بر سلامت روانی تأثیرگذار است.

پژوهش نشان می‌دهند فشارخون بالا، چاقی، دیابت، کلسترول، ضربه به سر و مصرف سیگار موجب افزایش و رژیم‌های غذایی ژاپنی (ماهی و سبزیجات و فرآورده‌های سویا، گوشت قرمز کم، اجتناب از پرخوری) و مدیترانه‌ای (سبزیجات، میوه‌ها، آجیل، مغزها، حبوبات، سیب زمینی، غلات کامل، نان‌ها، گیاهان، ادویه‌جات، ماهی، غذاهای دریایی و روغن زیتون خالص) موجب کاهش احتمال ابتلا به بیماری شناختی از جمله آلزایمر می‌شود. همچنین مطالعه کردن، انجام بازی‌های فکری مثل شطرنج، حل جدول، ساز زدن، ارتباطات اجتماعی منظم، آموزش، یادگیری زبان دوم، و ورزش جسمانی منظم می‌توانند جزء عوامل حفاظت‌کننده سالمندان از مشکلات و بیماری‌های شناختی باشند.



## تحولات معارف (آموزش و پرورش) در سال‌های جنگ جهانی اول

دومین نشست از سلسله نشست‌های «حیات اجتماعی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول با موضوع «تحولات معارف (آموزش و پرورش) در سال‌های جنگ جهانی اول» با سخنرانی مسعود کوهستانی‌نژاد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. این نشست به همت انجمن ایرانی تاریخ و پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی در تاریخ ۶ اسفند ماه ۱۳۹۶ برگزار شد.

آقای کوهستانی‌نژاد در این نشست با تأکید بر اهمیت پژوهش در حوزه‌های فرهنگی از جمله آموزش و پرورش، به صورت مختصر به وضعیت معارف پیش از آغاز جنگ در ایران اشاره کرد و گفت: «از سال ۱۹۱۱م در توافقی قرار شد هر سال ۲۰ محصل به فرانسه اعزام شود. دوره اول دانشجویان اعزامی به خارج همچون عیسی صدیق، مترجم نظام مدنی، عباس اقبال و امثالهم، پس از بازگشت تحولاتی را در معارف ایران رقم زدند.

میرزا حسن مشیرالدوله از سال ۱۳۲۹ ه.ق وزیر معارف می‌شود. او به منظور انجام اصلاحات، وزارت معارف را می‌بندد و ساختار و روش‌های وزارت‌خانه را تغییر می‌دهد و سپس با ۴۸ کارمند با خط مشی جدید آن را مجدداً بازگشایی می‌کند. کتاب‌های درسی را باز نویسی می‌کند و مدارس دختران را سامان می‌دهد. مقدمات آموزش معلمان زن را فراهم می‌آورد. شورای عالی معارف را ایجاد می‌کند به ریاست ذکاء الملک فروغی، اداره دارالترجمه را تأسیس می‌کند. امتحانات متمرکز برگزار می‌کند و اصلاحات اساسی در سیستم آموزشی ایران بر اساس الگوی فرانسوی ایجاد می‌کند. برای اولین بار کلاس‌های پیش‌دانشگاهی را ایجاد می‌کند. محصلان دارالفنون برای رفتن به دانشگاه و یا ادارات دولتی نیاز به گذراندن این دوره پیش‌دانشگاهی داشتند».

وی در ادامه افزود: «در این تحولات سه محور مدنظر بود:

- محور مدارس متوسطه که براساس دستورالعمل مدارس فرانسه تدوین می‌شد
  - محور مدارس ابتدائی، نظارت کامل و تمام‌عیاری بر ساماندهی کتاب‌های درسی ایجاد می‌کرد.
  - محور مدارس نسوان، تربیت ۱۰ معلم زن توسط مدارس خارجی برای تدریس در مدارس دختران انجام می‌گرفت.
- و همچنین اداره تفتیش مدارس و نظام آموزشی در وزارت معارف برای رصد دقیق وضعیت معارف کشور تأسیس شد».



پس از آن مشیرالدوله پیرنیا از کابینه علاء الدوله خارج می‌شود و حکیم الملک همفکر او جانشین وی می‌شود. در این ایام جنگ جهانی اول آغاز می‌شود و با درگیر شدن ناخواسته ایران در جنگ اصلاحات معارف نادیده گرفته می‌شود.

کابینه‌های متوالی و کوتاه مدت فرصتی را برای پیشبرد امور از دست نمی‌دهند. کابینه دوم وثوق الدوله سعی می‌کند به اوضاع سامان دهد. نصیرالدوله وزیر معارف در این کابینه دست به اقدامات اساسی می‌زند.

منابع درسی از حیث محتوا به روز رسانی می‌شود. وزارت معارف که در رکود کامل بود مجدداً خود را بازسازی می‌کند. تدوین کتاب‌های درسی، تشکیل و تاسیس مدارس مجانی برای محصلان در تهران و شهرستان‌ها، دولتی کردن آموزش و پرورش در ایران که تاکنون بخش عمده‌اش در اختیار بخش خصوصی بود، ساخت مدارس جدید، رسیدگی به دارالمعلمیات و دارالمعلمین، نظارت بر فعالیت مدارس ایرانی و خارجی از طریق اعزام مفتش مدارس، تاسیس نهادهای فرهنگی همچون موزه، نمایش، سینما، مطبوعات با رویکرد معارف و بازگشایی مجدد کتابخانه ملی، از جمله این اقدامات بود، نصیرالدوله بعد از جنگ مجدداً کتابخانه ملی و معارف را بازگشایی و تأسیس کرد.

البته انتقادات فراوانی به نصیرالدوله می‌شد که الگوی فرانسوی که تقریباً از دوره دارالفنون بر نظام آموزشی ایران حکمفرما بود کارایی چندانی ندارد و تنها افرادی را برای کارمندی ادارات دولتی تربیت می‌کند.

الگوی فرانسوی که مشیرالدوله در تحولات معارف از آن استفاده کرد برگرفته از تجربه حزب اتحاد و ترقی عثمانی بود. خاندان مشیرالدوله با عثمانی در ارتباط بودند و آنجا را به خوبی می‌شناختند. میرزا حسن مشیرالدوله نیز از تجربه عثمانی استفاده کرد و همان تجربه را در ایران پیاده نمود. دوره نصیرالدوله نیز همین اقتباس از الگوی فرانسوی ادامه یافت که انتقاداتی را به دلیل ناکارایی سیستم به همراه داشت.



## خوانش مؤلفه‌های تمدن ساز در مبانی نظری و عملی امام علی(ع)

گزارش نشست «خوانش مؤلفه‌های تمدن ساز در مبانی نظری و عملی امام علی(ع)» توسط حبیب زمانی محبوب، استادیار و مدیر گروه تاریخ و تمدن اسلامی برگزار شد.

گاه این سؤال به ذهن برخی متبادر می‌شود که آیا می‌توان به سیره امامان رویکرد تمدنی داشت؟ پاسخ روشن است؛ طبق اشاره قرآن، تمدن سازی وظیفه انبیاء و دینداران بوده است؛ بر همین اساس، بنیان‌گذار تمدن اسلامی پیامبر (ص) است. امام علی (ع) بذریه تمدنی را که پیامبر (ص) بر اساس گسترش یافتن علم و خرد در جامعه اسلامی کاشته بود، آبیاری کرد و ائمه معصوم با ژرفا بخشیدن به آن باعث شدند به درختی تنومند به نام «تمدن اسلامی» بدل شود. نقش مهم امام علی (ع) ارتقاء مؤلفه‌های تمدنی است که شتاب آن پس از رحلت پیامبر گرفته شده بود؛ در واقع، اگر علی (ع) نبود زنجیره تمدن اسلامی در همان آغاز کار می‌گسست. دکتر زمانی موضوع مذکور در سه محور ارائه کرد:

– مفهوم شناسی تمدن اسلامی

– شخصیت تمدن ساز امام علی (ع)

– تبلور برخی شاخص‌های تمدن اسلامی در سیره و حکومت امام علی (ع)

۱. مفهوم شناسی تمدن اسلامی:

تمدن عبارت است از پیشرفت و توسعه همه جانبه ناشی از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر که حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. در تقسیم‌بندی‌هایی که از ادیان جهانی می‌شود، اسلام در زمره ادیان تمدن ساز قرار می‌گیرد.

تمدن اسلامی را می‌توان شامل دو جنبه دانست: یک جنبه آن به وسیله خود اسلام پدید آمد و در پرتو خلاقیت و ابتکار مسلمانان بسط و گسترش یافت، در حقیقت منشأ این جنبه از تمدن اسلامی قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بود؛ اما جنبه دیگر تمدن اسلامی، نه ابداع مسلمانان، بلکه میراث به جای مانده از تمدن‌های پیشین در قلمرو اسلام بود که به دست مسلمانان توسعه و تکامل یافت و به رنگ اسلام درآمد.

با این توضیحات، تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام باشد. این تمدن بر اساس نگرش توحیدی و مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی، انسان را به سوی سعادت و کمال سوق می‌دهد.

۲. شخصیت تمدن ساز حضرت علی(ع):

حضرت علی(ع)، پرورش یافته دامان پیامبر و شاگرد برجسته مکتب رسالت، داناترین مردم به معارف و شرایع دین است و از چنان مرتبه علمی بهره‌مند است که گستره علم ایشان قابل احصاء نیست. سخنان امام علی (ع) که به مناسبت‌های مختلف فرموده‌است، بیانگر علوم جامعی در نزد ایشان است که پس از قرآن و کلام رسول خدا (ص) نظیر ندارد.

آثار بسیاری به حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند که برخی نگارش خود حضرت بوده و برخی را از سخنان ایشان گردآوری نموده‌اند و برخی را همان حضرت املاء کرده و دیگران نوشته‌اند. مصحف، کتاب علی(ع)، مسند، نهج البلاغه، احکام الديات و کتاب السنن الاحکام و القضايا از آثار منتسب به امام علی(ع) است.

افزون بر این، علی(ع) در پایه‌گذاری برخی از علوم نیز نقش اساسی داشته است. چنانچه جرج جرداق نوشته: علی(ع) ابن ابیطالب قطب اسلام و سرچشمه معارف و علوم عرب بود، هیچ دانشی در عرب وجود ندارد، مگر آنکه اساسش را علی(ع) پایه‌گذاری کرده یا در وضع آن، سهمیم و شریک بوده‌است؛ که علم فقه، تفسیر، کلام، نحو و قرائت از جمله آن علوم هستند. از دیگر ابعاد شخصیت تمدن ساز حضرت علی(ع)، ایجاد یک بینش مبتنی بر علم در بین عموم مردم بود؛ ایشان با اندیشه‌های متعالی خود تحولی نوین در حیطه دانش و علم افزایی بشر پدید آورد و در این راه دیگران را به پیروی از خود فراخواند.





امام علی (ع) با این رویکرد علمی و تربیت رجال دینی و دانشمندانی چون ابوالأسود دؤلی، علی بن ابی رافع، عبیدالله بن ابی رافع، سلمان فارسی و حارث همدانی، کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد، عقلانیت و خردورزی را به عنوان بنمایه تمدن اسلامی ترویج کرد.  
۳. مؤلفه های تمدن ساز در سیره و حکومت حضرت علی (ع)

نقش تمدن ساز علی (ع) صرفاً به این دلیل نیست که ایشان مقام علمی والایی داشت و پایه گذار علوم بسیاری بود و شاگردان بسیاری پرورش داد؛ بلکه در این است که امام علی (ع) بینش تمدنی داشت و در حکومتش برای تمدن سازی چارچوب طراحی کرد. نقش اساسی حضرت در تمدن اسلامی، تقویت ارکان و مؤلفه های تمدن ساز فرهنگ اسلامی در میان مردم و به کارگیری آن در حکومت خویش است. حضرت برای حکومت برنامه دارد و این از نامه و خطبه های ایشان کاملاً مشخص است. توجه به معیارهایی که علی (ع) برای حکومتش ترسیم کرده بود، نشان می دهد رویکرد امام علی (ع) رویکردی تمدن ساز بود و هر یک از معیارهای حکومت ایشان قدمی برای ساخت و تثبیت تمدن اسلامی بوده است.

اخلاق، کرامت انسانی، آزاد اندیشی، عدالت ورزی، حق مداری، وحدت و همبستگی، امنیت و اقتصاد از مهم ترین مؤلفه های مدنظر امام علی برای تمدن سازی است که ایشان در سیره و حکومت خویش بدانها توجه داشته اند. در دوره ای که اندیشه نوسازی تمدن نوین اسلامی رونق گرفته، نیازمند ارائه الگوی مطلوبی از کاربرد دین در حوزه سیاسی و زمینه سازی برای ارائه مدلی از تمدن دینی هستیم. در این میان سیره حضرت علی (ع)، به عنوان امام و خلیفه مقبول شیعه و سنی، می تواند مورد الگو برداری مسلمانان در تمدن سازی نوین اسلامی در همه کشورهای اسلامی قرار گیرد.

## انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، طی احکامی  
دکتر شکوه السادات حسینی را به سمت «مدیر گروه پژوهش مطالعات زنان»  
دکتر حسین خراشادی زاده را به سمت «مدیر امور مالی»  
دکتر روح الله شهابی را به سمت «سرپرست گروه پژوهشی روان شناسی و علم النفس»  
دکتر سیده زهرا اجاق را به سمت «سرپرست معاونت مدیریت تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه»  
دکتر روح الله کریمی را به سمت «سرپرست گروه پژوهشی مطالعات کاربردی اخلاق»  
منصوب کرد.

## نقد رویکرد سنتز نئوکلاسیک-کینزی در متون درسی اقتصاد کلان

جلسه «نقد رویکرد سنتز نئوکلاسیک - کینزی در متون درسی اقتصاد» توسط دکتر سید حسین میر جلیلی دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری روز سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد.

هر متن درسی اقتصاد کلان به یک چارچوب نظری برای تحلیل پدیده‌های کلان در کوتاه‌مدت نیاز دارد.

سه چارچوب نظری غالب عبارت‌اند از:

(الف) رویکرد کلاسیک جدید

(ب) رویکرد کینزی جدید با مدل  $IS-MP-IA$

(ج) رویکرد سنتز نئوکلاسیک-کینزی با مدل  $AS-IS-LM$

(د)  $IA$ : تعدیل تورم و  $MP$ : سیاست پولی

**الف)** رویکرد کلاسیک جدید: کلاسیک‌های جدید، برای تحلیل اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت، از مدل چرخه کسب و کار واقعی به عنوان مدل اصلی استفاده می‌کنند. در این رویکرد ارتباط میان درازمدت و کوتاه‌مدت به خوبی نشان داده می‌شود و می‌تواند برای تحلیل مسائل مربوط به سیاست‌های کلان اقتصادی از قبیل مالیات، مخارج دولت و سیاست پولی مورد استفاده قرار گیرد. کتاب اقتصاد کلان مدرن بارو (۲۰۰۸) نمونه بارز این رویکرد است.

**ب)** رویکرد کینزی جدید: چارچوب تحلیلی مدرن دیگر در آموزش اقتصاد کلان در دوره کارشناسی، کینزی جدید است. مؤلفه‌های کلیدی این چارچوب تحلیلی، منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت کینزی جدید (یعنی منحنی عرضه کل با شیب صعودی کوتاه‌مدت) است. در این رویکرد، تورم به تورم مورد انتظار در آینده بستگی دارد. در منحنی عرضه کل پویا، انتظارات در مورد تورم آینده، در کوتاه‌مدت بر محصول تأثیر می‌گذارد. بنابراین، انتظارات در مورد سیاست پولی در آینده و شوک تقاضا باعث می‌شود منحنی‌های پویای  $AS$  و  $AD$  منتقل شوند. مدل کینزی جدید دارای جنبه‌های پویای اقتصاد کلان است و میان آثار پیش‌بینی‌شده و آثار غیرمنتظره ناشی از شوک تقاضای کل تفاوت می‌گذارد. در مدل کینزی جدید، در کوتاه‌مدت، شوک غیرمنتظره اثر بیشتری بر محصول نسبت به شوک پیش‌بینی‌شده دارد. در مدل کینزی جدید، بر اساس قاعده تیلور، نرخ بهره ابزار اصلی سیاست پولی است نه عرضه پول. در مدل کینزی جدید، چرخه واقعی کسب و کار مدل کلاسیک جدید، حالت خاصی از مدل کینزی جدید است که قیمت‌ها، کاملاً انعطاف‌پذیر است. مهم‌ترین تفاوت میان رویکرد کلاسیک جدید و کینزی جدید در تدریس اقتصاد کلان دوره کارشناسی، نقش سیاست اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت است (تفاوت اندکی در آثار درازمدت در مدل وجود دارد). در مدل کلاسیک جدید سیاست انبساطی نقشی ندارد، چون قیمت‌ها به سرعت تعدیل می‌شوند، لذا هیچ اثری بر تولید واقعی ندارد (ولی آثار تورمی وجود دارد).



اما در مدل کینزی جدید، به دلیل چسبندگی قیمت، سیاست انبساطی در کوتاه‌مدت، بر تولید واقعی تاثیر دارد. در مدل کلاسیک جدید، سیاست پولی انقباضی، تورم را کاهش می‌دهد، اما هیچ اثری بر تولید واقعی ندارد.

اما در مدل کینزی جدید (و قدیم)، سیاست پولی انقباضی برای کاهش تورم، منجر به کاهش تولید واقعی در کوتاه‌مدت می‌شود، اگرچه وقتی سیاست، پیش‌بینی شده است، کاهش در محصول می‌تواند به حداقل برسد. مدل‌های کینزی برای مقابله با مسائل ناشی از رکود بزرگ، به‌ویژه بحران مالی و دام نقدینگی، مجهز شده‌اند.

چارچوب سنتی کینزی در حال حاضر در نهادهای سیاست‌گذاری استفاده نمی‌شود. برخی متون درسی اقتصاد کلان، مانند کتاب اقتصاد کلان منکیو (۲۰۱۰)، تلاش کرده‌اند شکاف میان روش سنتی و جدید کینزی را پل بزنند و با گنجاندن فصل جدیدی در مدل پویای  $AD/AS$ ، مقدمه‌ای در مورد مدل‌های  $DSGE$  ارائه کنند که در متون درسی دوره‌های کارشناسی ارشد متداول شده است و در نهادهای سیاست‌گذاری استفاده می‌شود. رومر (۲۰۰۰) و تیلور (۲۰۰۰) چارچوب جدیدی برای مدل کینزی جدید در اقتصاد کلان مطرح می‌کنند. به جای منحنی  $LM$ ، طبق قاعده تیلور، منحنی  $MP$  (سیاست پولی) و به جای عرضه کل، خط  $IA$  (تعدیل تورم) قرار داده شده است. بنابراین، به جای رویکرد سنتز یعنی  $IS-LM-AS$ ، مدل  $IS-MP-IA$  کینزی جدید پیشنهاد شده است. رومر یازده مزیت برای آن برمی‌شمارد. میشکین (۲۰۱۲) در فصل دهم کتاب اقتصاد کلان خود از منحنی  $MP$  به جای  $LM$  استفاده می‌کند و ویلیامسون (۲۰۱۱) نیز در کتاب اقتصاد کلان خود، منحنی  $LM$  را با قاعده نرخ بهره واقعی جایگزین می‌کند. جونز (۲۰۱۱) نیز در کتاب اقتصاد کلان خود در تحلیل کوتاه‌مدت، منحنی  $LM$  را با قاعده تیلور جایگزین می‌کند که در آن بانک مرکزی نرخ بهره اسمی را در واکنش به تورم تعیین می‌کند. ویراپانا (۲۰۰۳) چارچوب سنتی یادشده را با مدل  $AD/PA$  (یعنی تقاضای کل / تعدیل قیمت) بر اساس کار رومر و تیلور جایگزین می‌کند.

**ج) رویکرد سنتز نئوکلاسیک-کینزی:** چارچوب تحلیلی در آموزش اقتصاد کلان در دوره کارشناسی، با استفاده از مدل عرضه کل - تقاضای کل یا  $IS-LM-AS$  برای کوتاه‌مدت است. برخی متون درسی اقتصاد کلان با چارچوب تحلیلی سنتز عبارت‌اند از: اقتصاد کلان بلانچارد (۲۰۱۴)؛ اقتصاد کلان در نبوش - فیشر - استارتز (۲۰۱۱)؛ اقتصاد کلان برانسون (۱۹۸۹). (به نظر می‌رسد اقتصاد کلان دکتر شاکری و اقتصاد کلان دکتر رحمانی بر اساس همین رویکرد است)

این متون، منبع اصلی درس اقتصاد کلان در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در تعدادی از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ایران است. یکی از مراحل تطوّر اقتصاد کینزی، تفسیر کتاب نظریه عمومی کینز بر اساس سنتز نئوکلاسیک - کینزی بود.

در رویکرد سنتز، اقتصاد کینزی براساس نظریه تعادل عمومی تفسیر می‌شود با مدل  $IS-LM$  که هیکس (۱۹۳۷) و سپس هانس (۱۹۵۳) مطرح کردند. مدل  $IS-LM$  برای تقاضای کل، تفسیر اقتصاد کلان کینز بر اساس نظریه تعادل عمومی است. پل ساموئلسن اصطلاح «سنتز نئوکلاسیک-کینزی» را برای رویکرد اقتصاد کلان در اواسط دهه ۱۹۵۰ وضع کرد. سنتز نئوکلاسیک بیست سال دیگر، یعنی تا دهه ۱۹۷۰، تأثیرگذار بود که در آن، مطالب مهم هیکس، مودیلیانی، سولو، توبین و دیگران جای می‌گیرد. این رویکرد، «سنتز» نئوکلاسیک و کینزی نامیده شده است، بدان جهت که نتایج مدل در «درازمدت» یا در سیستم  $IS-LM$  با کارکرد کامل، نئوکلاسیک است، ولی در «کوتاه‌مدت» یا سیستم  $IS-LM$  با کارکرد ناقص، نتایج کینزی برقرار است. در رویکرد سنتز نئوکلاسیک - کینزی، مدل  $IS-LM$  نقش مرکزی دارد. این در حالی است که مدل  $IS-LM$  نواقص تحلیلی متعددی دارد.

نقد: مهم‌ترین نواقص تحلیل IS-LM عبارتند از:

۱. فاقد مبانی اقتصاد خرد است.
۲. توابع مصرف و سرمایه‌گذاری *ad hoc* مشخص شده است و نه به‌عنوان نتیجه حل مسائل تصمیم‌گیری.
۳. سطح قیمت را برون‌زا در نظر می‌گیرد.
۴. انتظارات در این مدل نقشی ندارد.
۵. پیچیدگی‌های اقتصاد را به چند رابطه جمعی شده خام، ساده‌سازی می‌کند.
۶. جامع نیست و فروض و ساده‌سازی‌ها، این تحلیل را برای برخی موضوعات و شرایط اقتصادی، مناسب می‌سازد.
۷. با مفروضات پشت مدل IS / LM که بر حسب انعطاف‌پذیری قیمت‌هاست، ناسازگاری دارد.
۸. مدل ایستاست و از هماهنگی و انتخاب بین زمانی و آینده‌نگر غفلت کرده است.

این مدل تصویر لحظه‌ای از اقتصاد کلان ارائه می‌کند، بدون در نظر گرفتن این واقعیت که تصویر لحظه‌ای، بخشی از یک تصویر متحرک است. ماهیت ایستای مدل، مانع از توجه به بسیاری از پیامدهای محدودیت بین زمانی بودجه دولت، برای آثار واقعی تغییر در سیاست‌های مالی یا تأثیرات انتظارات در مورد سیاست‌های پولی بر دنباله‌ای از سطح قیمت تعادلی طی زمان می‌شود. به دلیل نقدهای یادشده، به ندرت چارچوب IS-LM و AD-AS در مقطع فوق‌لیسانس حتی ذکر می‌شود و به جای آن چندین سال است که مدل DSGE در اقتصاد کلان سطح کارشناسی ارشد تدریس می‌شود. در دهه ۱۹۷۰، بسیاری از اقتصاد دانان از تفسیر کینز توسط سنتز نئوکلاسیک ناراضی بودند، زیرا این تفسیر با ادعای کینز منطبق نبود. کینز نظریه‌ای ارائه کرد که عام‌تر از نظریه کلاسیک باشد نه برعکس آن، که سنتز می‌گوید. علاوه بر آن، بنیان مدل IS-LM، والرایی است، در حالی که کینز، والرایی نبود.

همانطور که لئون هافوود می‌گوید کینز، اقتصاد کلان عدم تعادل را مطرح کرد. دلیل دیگر بحران در سنتز نئوکلاسیک، ناتوانی آن برای توضیح دادن رویدادها بود. با افزایش تورم در اواخر دهه ۱۹۶۰، موفقیت تجربی و مبانی نظری سنتز، زیر سؤال رفت. جدی‌ترین ضربه به سنتز، تورم رکودی اواسط دهه ۱۹۷۰ به دنبال افزایش قیمت نفت بود که باعث شد رشد یکنواخت همراه با تورم پایین تداوم پیدا نکند. در اوایل دهه ۱۹۷۰، سنتز دچار دردسر جدی شد؛ زمانی که پایداری تورم و بیکاری در کشورهای عضو OECD با پیش‌بینی سنتز سازگار نبود. لوکاس و سارجنت علیه سنتز نئوکلاسیک گفتند که سنتز در پیش‌بینی‌های خود شکست خورده است. نظر لوکاس و سارجنت این بود که رویکردی که بر اساس آن، پیش‌بینی‌های شکست خورده دهه ۱۹۷۰ انجام شد، اساساً ناقص است. «کینزی‌های کمبریج» (نام دیگر پساکینزی‌های بریتانیا) و هم‌تایان آنها در ایالات متحده (پساکینزی‌های آمریکا)، سنتز را خیانتی بزرگ به انقلاب کینزی می‌دانند. مکتب کلاسیک جدید از دهه ۱۹۷۰ به عنوان رویکرد جدید اقتصاد کلان، جایگزین سنتز گردید.

با توجه به مشکلات رویکرد سنتز نئوکلاسیک، برانسون پس از ویرایش سوم سال ۱۹۸۹، ویرایش جدیدی از کتاب اقتصاد کلان خود منتشر نکرد، با اینکه تا ۲۰۰۶ زنده بود. کتاب اقتصاد کلان برانسون که مبتنی بر سنتز نئوکلاسیک - کینزی و ایستای مقایسه‌ای است، سال‌هاست در برنامه درسی اقتصاد کلان اغلب دانشگاه‌های معتبر جهان از این کتاب به عنوان متن درسی استفاده نمی‌شود. در اواسط دهه ۱۹۹۰، «سنتز نئوکلاسیک جدید» توسط گودفرند و کینگ (۱۹۹۷) مطرح شد. سنتز جدید مانند سنتز قدیمی، دو ویژگی عمده دارد: اول، رفتار بهینه‌سازی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان. دوم، وجود اختلالات و انعطاف‌ناپذیری‌های اسمی.



مدل سنتز جدید به عنوان «تبادل عمومی پویای تصادفی» یا مدل‌های **DSGE**، نامیده شده است. مدل‌های **DSGE** برای سیاست‌گذاری به‌طور فزاینده‌ای عمدتاً توسط بانک‌های مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین نقدهای مدل **DSGE** سنتز جدید عبارت‌اند از: ۱. نقد پسا‌کینزی: در **DSGE** بازار کار همیشه تسویه است، در حالی که در واقع چنین نیست. ۲. نقطه کور مدل **DSGE**، بخش مالی است که به نرخ بهره و بازار پول تقلیل یافته است. بانک سایه، وام کم اعتبار، تبدیل به اوراق بهادار کردن، اهرم، حباب و ارتباط بین بانکی در مدل نیست. بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ مدل سنتز جدید را بی اعتبار کرد. ۳. مدل **DSGE** بیش از حد متکی به فرض بازارهای کامل است و قادر به توضیح پویایی غیرخطی نوسانات نیست. ۴. چرخه واقعی کسب و کار، هسته اصلی مدل است و لذا اساساً والرایی است. رقابت ناقص کینزی جدید ابزار کمی است که وارد مدل شده است. از این‌رو سنتز جدید گسترش چارچوب تحلیلی والرایی است. در حالی که کینز والرایی نیست.



دکتر میرجلیلی در جمع بندی مطالب ارائه شده گفت: «رویکرد سنتز نئوکلاسیک-کینزی، یکی از سه رویکرد غالب در متون درسی اقتصاد کلان و بر اساس مدل **IS-LM** است. کتاب اقتصاد کلان برانسون، بر اساس رویکرد سنتز است که منبع اصلی درس اقتصاد کلان در تعدادی از دانشگاه‌های ایران است. رویکرد سنتز نئوکلاسیک متون درسی اقتصاد کلان بدلیل نواقص مدل **IS-LM** و نقدهای وارد به سنتز، در دانشگاه‌های دنیا کنار گذاشته شده است. (اما در ایران هنوز منبع درسی است). سنتز جدید نئوکلاسیک-کینزی در سال ۱۹۹۷ مطرح شد و مدل **DSGE** را جایگزین **IS-LM** کرد. مدل **DSGE** سنتز جدید با نقدهای متعدد مواجه شده است و در پیش بینی بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ ناکام بود. در مجموع، به دلیل نقدهای وارد به رویکرد سنتز نئوکلاسیک در متون درسی اقتصاد کلان، بازاندیشی متون درسی اصلی اقتصاد کلان در دانشگاه‌های ایران توصیه می‌شود».

## تأثیر گواهی بازرسی کالا در پیشگیری از تقلب در اعتبارات اسنادی

نشست «تأثیر گواهی بازرسی کالا در پیشگیری از تقلب در اعتبارات اسنادی» با همت پژوهشکده مطالعات تطبیقی حقوق با حضور جمعی از اساتید، دانشجویان، وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری و با سخنرانی دکتر بهمن حسینجانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات تطبیقی حقوق) حسین قاضی الطباطبایی (مدرس و کارشناس رسمی دادگستری) و دکتر گلناز موسوی (کارشناس ارشد سازمان ملی استاندارد ایران) در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۶ در تالار حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، دکتر حسینجانی مسئول راهاندازی پژوهشکده مطالعات تطبیقی حقوق، موضوع را به این نحو تبیین نمود: بازرسی (Inspection) یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین حلقه‌های زنجیره صادرات و واردات کالا و خدمات است. این امر به علت فراگیر و جهانی بودن آن، به یکی از تخصصی‌ترین و پیچیده‌ترین مراحل در امر صادرات و واردات تبدیل شده است و برای آسان‌سازی این جریان و اطمینان از مرغوبیت کالا و خدمات، در مراحل بازرسی، از یک سری استانداردهای فراگیر و مورد قبول همه کشورها استفاده می‌شود. وظیفه تدوین این استانداردها بر عهده کمیته جهانی استاندارد (ایزو) است که اغلب کشورهای جهان در آن عضو هستند. به دلیل اهمیت مقوله بازرسی کالا، قسمت سوم از بخش دوم مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع اختصاص یافته و ارائه گواهی بازرسی در مورد تمامی کالاهای وارداتی با توجه به نوع استاندارد کالا الزامی شناخته شده است. گواهی بازرسی مورد نظر باید توسط شرکت‌های بازرسی کننده مجاز صادر گردد. نفس بازرسی کالا و عملکرد مثبت شرکت‌های بازرسی کالا می‌تواند از بروز تقلب در اعتبارات اسنادی به نحو چشمگیری پیشگیری کند.

در این نشست ابتدا پیرامون فلسفه بازرسی، نحوه تأسیس و نظارت بر شرکت‌های بازرسی، انواع بازرسی و وظایف شرکت‌های بازرسی صحبت شد و سپس نقش گواهی بازرسی کالا در پیشگیری از تقلب یا بروز تقلب در اعتبارات اسنادی با مطالعه موردی تبیین شد. قاضی الطباطبایی در خصوص اهمیت و جایگاه گواهی بازرسی کالا در اعتبارات اسنادی و نقش آن در واردات و صادرات و به‌طور کلی در تجارت بین الملل توضیحاتی ارائه دادند. ایشان در ادامه به تعریف گواهی بازرسی در اسناد بین المللی و کارایی بسیار حساس آن در مبادلات تجاری پرداختند و انواع گواهی بازرسی را برشمردند: ۱. گواهی بازرسی پیش از حمل ۲. گواهی بازرسی نصب و راه اندازی ۳. گواهی بازرسی حین تولید ۴. گواهی بازرسی فنی ۵. گواهی بازرسی کالا در رابطه با انطباق با استانداردهای اجباری ۶. گواهی بازرسی ارزیابی قیمت.

دکتر گلناز موسوی در خصوص روند صدور پروانه شرکت‌های بازرسی کالا و طبقه‌بندی آنها گفت: «سازمان ملی استاندارد ایران تنها مرجع تأیید صلاحیت شرکت‌های بازرسی کالا است و شرکت‌های بازرسی کالا را از نظر صلاحیت در سه سطح طبقه‌بندی می‌کند: ۱. شرکت‌های بازرسی کالا در سطح استانی ۲. شرکت‌های بازرسی کالا در سطح ملی ۳. شرکت‌های بازرسی کالا در سطح بین‌المللی».

شرکت‌های بازرسی کالا از نظر نوع فعالیت در سه سطح الف، ب و پ قرار دارند. شرکت‌های بازرسی نوع (الف) شرکت‌های کاملاً مستقل هستند. چرا که فعالیت اصلی آنها صرفاً بازرسی است. شرکت‌های بازرسی نوع (ب) شرکت‌هایی هستند که می‌توانند در داخل شرکت دیگری باشند لکن باید استقلال خود را به اثبات برسانند. شرکت‌های بازرسی نوع (پ) شرکت‌هایی هستند که استقلال کامل ندارند. لازم به ذکر است که شرکت‌های بازرسی فنی صرفاً در این نوع طبقه‌بندی قرار می‌گیرند و شرکت‌های بازرسی کالا فقط در نوع الف قرار می‌گیرند. یکی از موضوعات بسیار مهم برای سازمان ملی استاندارد، استقلال شرکت‌های بازرسی کالا است که در این خصوص بند الف ماده ۲ آیین‌نامه تأیید صلاحیت شرکت‌های بازرسی کننده و ضوابط بازرسی کالاها مقرر کرده است: «که شرکت و مدیران مسؤول آن باید مستقل از منابع تجاری مرتبط با طراحی، ساخت، تأمین، نصب، استفاده و نگهداری اقلام مورد بازرسی یا اقلام مشابه و هم‌ردیف آن باشند و همچنین نباید در فعالیت‌هایی دخیل باشند که در تضاد با استقلال، قضاوت و درستکاری آنها در زمینه بازرسی باشند».

سازمان ملی استاندارد برای استقلال هر چه بیشتر شرکت‌های بازرسی مقرر کرده است که حتی سهام‌داران آنها نباید فعالیت تجاری و بازرگانی داشته باشند و در مواردی که دارای چنین فعالیت‌هایی باشند، مرجع یاد شده از آنها تعهد اخذ می‌کند که مالکیت سهامشان را به کمتر از پنجاه درصد کاهش دهند و در صورت عدم انجام تعهد، مجوز را لغو خواهد کرد. دلیل آن این است که استقلال شرکت‌های بازرسی برای سازمان ملی استاندارد بسیار مهم است.

آقای قاضی الطباطبایی در ادامه به دو نوع بازرسی رایج اشاره کرد:

### ۱. بازرسی پیش از حمل کالا (pre-shipment inspection)

در این نوع بازرسی بنابر درخواست بانک یا خریدار یا الزامات مندرج در اعتبارات اسنادی، کالای مورد معامله قبل از حمل در مبدأ مورد بازرسی قرار می‌گیرد و این امر هم به دلیل حفظ حقوق واردکننده و مصرف‌کننده جهت حصول اطمینان از انطباق کالای ارسال شده با مشخصات درج شده در قرارداد است؛ کالا پس از تولید و بسته‌بندی در انبار یا محل اعلان شده از سوی فروشنده پیش از حمل مورد بازرسی فیزیکی قرار می‌گیرد. در این نوع بازرسی معمولاً کمیت کالا و کیفیت بسته‌بندی بررسی و بازرسی می‌شود و اسناد و گواهی‌های کیفیت و آنالیز کارخانه تولید کننده به دقت با مشخصات ظاهری کالا تطبیق داده می‌شود. این نوع بازرسی با توجه به اهداف متفاوت صاحبان منافع از موارد تقلب در اعتبارات اسنادی پیشگیری می‌کند.



صاحبان منافع در این نوع بازرسی عبارتند از:

۱. خریدار ۲. فروشنده ۳. بانک مرکزی ۴. وزارت صنعت، معدن و تجارت ۵. اداره گمرک و سایر ذی‌نفعان که هرکدام اهداف مشخصی را از بازرسی انتظار دارند.

فرض کنید، فردی هزار دستگاه تلویزیون خریداری می‌کند. وظایف بازرس در این پرونده عبارتند از:

۱. بازرسی بسته بندی کالا ۲. بررسی خود کالا به صورت تصادفی و فیزیکی و تدوین گزارش. بنابراین مسئولیت شرکت بازرسی صرفاً بررسی کیفیت ظاهری کالا است، مگر اینکه از او خواسته شده باشد که کالای مورد نظر را از حیث ماهیت هم آنالیز کند که در این فرض منظور تست کردن تلویزیون‌ها است. پس از انجام بازرسی در صورت عدم مشاهده مغایرت ظاهری و مطابقت کمی یا کیفی کالا با اسناد خرید و پس از نظارت بر عملیات بارگیری و دریافت رونوشت سند حمل و پس از طی همه این مراحل، گواهی نامه بازرسی پیش از حمل مطابق با متن نمونه بانک مرکزی صادر می‌شود.

خدمات اصلی بازرسی پیش از حمل عبارتند از:

۱. تصدیق قیمت کالا ۲. بازرسی کمی و کیفی ۳. بازرسی وضعیت بسته‌بندی و نشانه‌گذاری ۴. بازرسی کانتینر و سایر وسایل حمل و نقل ۵. نظارت بر بارگیری ۶. نمونه‌گیری، نمونه‌برداری و ارسال به آزمایشگاه (آزمون - دریافت نتایج - بررسی نتایج - انطباق بررسی مستندات). خدمات ویژه قابل ارائه توسط شرکت‌های بازرسی عبارتند از: ۱. اندازه‌گیری تجهیزات توزین ۲. تأمین کارشناسان واجد شرایط ۳. نظارت بر برنامه‌ها و پروژه‌های صنعتی، مشاوره، اجرا و ارائه گزارش پیشرفت کار.



## ۲. گواهی بازرسی (COI (certification of inspection

این گواهی بیان می‌دارد که کالا از لحاظ کمی، کیفی و بسته‌بندی با شرایط موجود در پروفورما مطابقت دارد و توسط شرکت‌های بازرسی کالا صادر می‌گردد؛ به اختصار به این گواهی Certification of Inspection یا COI و یا گواهی VOC می‌گویند.

بازرسی حین تولید، نوع دیگری از بازرسی کالا است که طبق قرارداد در مراحل ساخت و تولید به صورت تصادفی و موردی یا در مقاطع مختلف مثل مقطع کنترل کیفی می‌تواند با نظر خریدار باشد. بازرسی حین تولید در واقع یک نوع بازرسی فنی است. ارزیابی قیمت کالا خدمت دیگری است که شرکت‌های بازرسی انجام می‌دهند. یکی از کاربردهای این روش زمانی است که بانک‌ها یا دولت بودجه‌ای برای ایجاد یک واحد صنعتی اختصاص داده‌اند و در نتیجه نگران آن هستند که مبادا کالای خریداری شده گرانتر از قیمت متعارف آن در بازار باشد؛ زیرا قیمت کالا بر اساس روش‌های قرارداد در اینکوترمز متفاوت است. لذا به همین خاطر از خدمات شرکت‌های بازرسی استفاده می‌کنند. دکتر گلناز موسوی در رابطه با سازمان ملی استاندارد و نقش شرکت‌های بازرسی در صدور گواهی بازرسی کالا توضیحاتی دادند و بیان داشتند که کالاهای مشمول استاندارد اجباری کالاهایی هستند که از لحاظ ایمنی، بهداشت و سلامت حائز اهمیت هستند و طبق مقررات خاصی مشمول استاندارد اجباری اعلان می‌شوند.

به‌طور مثال اکثر مواد غذایی مشمول استاندارد اجباری هستند. در صورتی که بخواهیم بدانیم یک کالا مشمول استاندارد اجباری است یا نه، سازمان ملی استاندارد لیست اسامی کالاهای مشمول استاندارد را در تارنمای سازمان قرار داده است.

قوانین و مقررات ناظر بر شرکت‌های بازرسی عبارتند از:

۱. قسمت سوم از بخش دوم مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی ۲. قانون ارتقاء کیفی خودرو ۳. قانون طرح توسعه و تقویت نظام استاندارد سازی ۴. آیین‌نامه تأیید صلاحیت شرکت‌های بازرسی ۵. دستورالعمل چگونگی ارزیابی تأیید صلاحیت و نظارت بر شرکت‌های بازرسی ۶. دستورالعمل رسیدگی به اعتراضات و اختلافات بین خریداران و شرکت‌های بازرسی ۷. روش اجرائی ارزیابی و انطباق کالاهای وارداتی ۸. دستورالعمل صدور گواهی انطباق کالاهای صادراتی ۹. ارزیابی انطباق الزامات برای کارکردهای انواع مختلف نهادهای انجام دهنده بازرسی ۱۰. استاندارد ملی ایزو ۲۰۰۰.





در بخش پایانی نشست، قاضی طباطبایی تأکید کردند که حق الزحمه‌ای که شرکت‌های بازرسی دریافت می‌کنند نسبت به خدماتی که ارائه می‌دهند، بسیار ناچیز است. چرا که بر اساس اسنادی که توسط این شرکت‌ها صادر می‌شود، بانک‌ها و تجار مبالغ زیادی مبادله می‌کنند؛ در واقع منفعتی که تجار و بانک‌ها می‌برند، در مقابل خدماتی که می‌گیرند قابل قیاس نیست. لذا برای این که اهمیت کارکرد شرکت‌های بازرسی بیشتر مورد توجه قرار گیرد به بررسی چند نمونه از پرونده‌های طرح شده در محاکم می‌پردازیم.

الف) شرکت وارد کننده ای ۱۴ فقره اعتبارات اسنادی گشایش کرده و به رغم آن که شرط بازرسی در شرایط اعتبارات اسنادی لحاظ شده بود، یک هفته بعد از گشایش اعتبار از سازمان ملی استاندارد مجوز حذف بازرسی در مبدأ گرفته تا بازرسی انجام نشود. نوع کالا قطعات یدکی خودرو بود که از یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس خریداری شده بود. خریدار پس از رسیدن کالا به مقصد اسناد را برای انجام تشریفات گمرکی و ترخیص کالا از بانک گشایش کننده اعتبار تحویل می‌گیرد. اما پس از گرفتن اسناد اقدامی جهت ترخیص کالا انجام نمی‌دهد. نهایتاً بعد از دو سال که خریدار اقدامی جهت ترخیص کالا نمی‌کند، اموال بر اساس قانون تحویل سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی داده می‌شود، اما متأسفانه پس از بررسی مشخص می‌شود که اموال از نظر کمی و کیفی اصلاً از زمین تا آسمان با اسناد خرید متفاوت هستند و ارزش آنها به قدری ناچیز است که حتی کفاف پرداخت هزینه‌های حمل و نقل را نمی‌کند. با بررسی این پرونده مشخص می‌شود که واردکننده از ابتدا پروسه بازرسی کالا را حذف کرده تا بتواند با سهولت به مقاصد نامشروع خود برسد؛ این شکل از تقلب در اعتبارات اسنادی اهمیت شرکت‌های بازرسی را نمایان می‌کند.



ب) نمونه دیگر این است که چندین تَن برنج از یکی از کشورهای همسایه خریداری شده بود و بسته‌بندی آن از نوع کیسه‌کتانی بود و نوع بیمه آن از پایین‌ترین نوع پوشش جبران خسارت بود. یک شرکت بازرسی داخل کانتینرها را از نظر کمی و کیفی بازرسی کرده بود و حین بازرسی موضوعی را مشاهده می‌کند و آن را بلافاصله به خریدار کالا گزارش می‌دهد. شرکت بازرسی در زمان بازرسی متوجه می‌شود که در دیواره یکی از کانتینرها حفره‌ای بر اثر آسیب‌دیدگی ایجاد شده و با بتون پر شده است. اما خریدار به این موضوع توجه نمی‌کند. پس از ورود کالا به ایران کشف می‌شود که آب داخل کانتینر نفوذ کرده و پنجاه درصد برنج‌های کانتینر از بین رفته است. خریدار کالا بلافاصله موضوع را برای دریافت خسارت به شرکت بیمه‌گر اطلاع می‌دهد. اما شرکت بیمه عنوان می‌کند که قرارداد بیمه کالا از نوع کلوز C است و در این نوع قرارداد یکی از شرایط پرداخت خسارت از بین رفتن و تلف شدن کل محموله است و لذا هیچ خسارتی نمی‌تواند پرداخت کند. خریدار بعد از آن که نمی‌تواند غرامت خود را از شرکت بیمه دریافت کند، برای دریافت خسارت به متصدی حمل و شرکت بازرسی مراجعه می‌کند. اما هیچ‌کدام نمی‌پذیرند. نهایتاً در دادگاه طرح دعوا می‌کند و دادگاه پس از رسیدگی حکم بر محکومیت شرکت بازرسی می‌دهد. اما در مرحله تجدید نظر خواهی وقتی پرونده به کارشناس ارجاع شد، عدم تقصیر شرکت بازرسی احراز شد. چرا که شرکت بازرسی براساس قرارداد بازرسی و اسناد موجود در خصوص کیفیت بسته‌بندی کالا وظیفه‌ای نداشت و راجع به این موضوع از شرکت بازرسی درخواست بازرسی نشده بود.

این نشست پس از طرح چند پرونده دیگر با تأکید بر نقش بسیار مثبت گواهی بازرسی کالا در پیشگیری از بروز تقلب در اعتبارات اسنادی خاتمه یافت.





**موضوع:** مسمط سرایی در شعر معاصر، از بهار تا نینما، و مقایسه آن با مسمط سنتی

**استاد راهنما:** دکتر ابوالقاسم رادفر

**استادان مشاور:** دکتر علیرضا فولادی، دکتر زهرا پاساپور

**استادان داور:** دکتر یوسف محمدنژاد عالی زمینی، دکتر مریم شریف نسب، دکتر محمود بشیری

این جلسه در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۷ ساعت ۱۵:۳۰ با حضور استادان راهنما و مشاور و هیأت داوران رساله در سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

پس از توضیح مختصر استاد راهنما درباره موضوع رساله، دانشجو سخنانی را درباره اهمیت داشتن قالب مسمط، علت پرداختن به این موضوع، قلمرو زمانی پژوهش، پیشینه پژوهش و... ایراد کرد و سپس به قرائت خطابه خود پرداخت. در این خطابه نخست فصل بندی و عنوان فصل‌های رساله ذکر شد و در ادامه، درباره هر یک از فصل‌ها توضیحاتی مفصل مطرح شد:

**فصل اول:** کلیات و مفاهیم؛ شامل معرفی موضوع، مسأله تحقیق، هدف، فرضیه، پیشینه و... .

**فصل دوم:** از انواع ادبی؛ شامل تعریف انواع ادبی بنابر تعاریف محققان و صاحب نظران، تاریخچه انواع ادبی، با تکیه بر نظریه‌ها، روش‌های تغییر انواع ادبی؛ احیای انواع ادبی و شیوه‌های آن؛ انگیزه‌های تغییر و یا احیای انواع ادبی.

در ادامه، ارتباط انواع ادبی با مسمط به این شکل مطرح شد:

مسمط نوعی ادبی است که در گذشته ادبی ایران وجود داشته است؛ در دوره مشروطه احیا شده و زیرشاخه‌هایی گوناگون از آن به وجود آمده و هدف از احیای مسمط، ناکارآمد بودن قالب‌های رایج در آن زمان برای مطرح کردن برخی مضامین روز بوده است. همچنین تأییدی بر مناسب بودن این قالب و عدم کهنگی آن است.

**فصل سوم:** از مسمط؛ در این فصل، ضمن تعریف دقیق قالب مسمط، اقسام و توابع آن بررسی و معرفی شده‌اند.

**فصل چهارم:** مسمط در شعر معاصر؛ مطالب این فصل ذیل سه سطح اصلی زبانی، ادبی و فکری تنظیم و در ادامه، نقش شاعران مسمط‌پرداز در ایجاد شعر نیمایی مطرح شده است. سپس علل رویکرد شاعران دوره مشروطه به مسمط بررسی شده و درنهایت، میان مسمط‌های دوره مشروطه و سنتی مقایسه تطبیقی صورت گرفته است.

**فصل پنجم:** نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

در پایان خطابه، دانشجو از استادان راهنما، مشاور و داور برای شکیبایی ایشان در آماده شدن رساله و مطالعه و داوری این رساله قدردانی کرد.

دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد راهنمای رساله، به ارزش و اهمیت موضوع رساله و از دقت و دشواری کار سخن گفت و سپس فرصت را در اختیار استادان داور قرار داد تا نکات تکمیلی، انتقادات و پیشنهادها خود را مطرح کنند.

دکتر محمود بشیری، استاد داور مدعو رساله، نخست به تحسین تلاش دانشجو پرداخت و ضمن بیان این نکته که مطالب بسیاری را از این رساله آموخته است، تعداد اشتباهات حروف‌چینی کار را اندک دانست. او در ادامه، نکاتی را درباره فصل مربوط به انواع ادبی و نارسا بودن برخی مثال‌ها ذکر کرد و از دانشجو خواست مثال‌های دیگری را جایگزین کند.

دکتر مریم شریف نسب، استاد داور داخلی، در تأیید سخنان دکتر بشیری به توفیق رساله و پیراسته بودن زبان آن اشاره کرد. سپس ارتباط میان فصل مربوط به انواع ادبی و دیگر فصل‌های رساله را منتفی دانست. همچنین ضمن مطرح کردن یکی دو مورد ویرایشی نادر، از دانشجو خواست نظر به فراوان بودن یافته‌های جدید رساله، بخش نتیجه را مفصل‌تر بازنویسی کند.

دکتر یوسف محمدنژاد، استاد داور داخلی دیگر رساله، اذعان داشت برای نوشتن این رساله آثار فراوانی مطالعه و بررسی شده است. او در ادامه ضمن تأیید سخنان دکتر شریف نسب درباره فصل انواع ادبی، همچنین از دانشجو خواست در صورت صلاحدید استاد راهنما، بخش آخر فصل چهارم به ابتدای فصل چهارم منتقل شود.

دکتر زهرا پاساپور، استاد مشاور دوم رساله، نکاتی را درباره برخی بخش‌ها و لزوم تحلیلی کردن آن‌ها مطرح کرد.

دکتر علیرضا فولادی استاد مشاور اول رساله نیز، از ارزش رساله سخن گفت. او با مطرح کردن نظریه‌های جدید در خصوص انواع ادبی و مرتبط دانستن قوالب شعری را با انواع ادبی، بر ضرورت باقی ماندن این فصل در رساله تأکید کرد.

در پایان دکتر ابوالقاسم رادفر استاد راهنمای رساله به جمع‌بندی نظرات مطرح‌شده پرداخت.

در نهایت، هیأت داوران؛ استادان راهنما، مشاور و داور به شور نشستند و با اعطای نمره ۱۹/۵ و درجه عالی، به رساله دانشجو، وی را دانش آموخته مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی تشخیص دادند.





مدیر مسئول: سید محسن علوی پور  
سر دبیر: حوریه احدی  
هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری و سعیده زندی  
ravabet1@ihcs.ac.ir  
www.ihcs.ac.ir  
کانال سروش: @pajoheshgah